

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگ باد! ای جلاد مرگ باد!

از کشورهای ایران مبارزات ایرانیان مبارز و آزاده در کشورهای و شهرهای مختلف گزارش‌های تازه‌ای در این هفته بدست ما رسیده است. آنها با امید به وجدان‌های بیدار کوشیده‌اند با سازماندهی حرکات افشاگرانه و بهره‌گیری از روش‌های متنوع، جهانیان را با بعد فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی آشنا نمایند. بی‌گمان این دور از مبارزات ایرانیان ترقیخواه یکی از پرمایه‌ترین حرکت‌های است که تاکنون در خارج ایران تدویم و گسترش اقداماتی را که آغاز شده است، طلب می‌کند.

در این شماره اکثریت گزارش بخش دیگری از اقدامات افشاگرانه ایرانیان مقیم خارج را در صفحات ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ می‌خوانید.



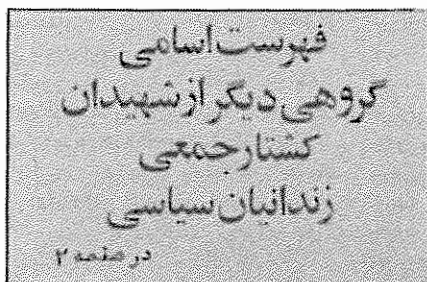
دوشنبه ۱۹ دی ۱۳۶۷ برابر ۹ ژانویه ۱۹۸۹
به‌ماه عریال - سال پنجم - شماره ۲۴۰

اخباری از تبه‌کاری بی‌مرز جمهوری اسلامی در کشتار همگانی زندانیان سیاسی

حکومتی تعیین شده است به پیش می‌برد. این هیات کار خود را از نیمه تابستان آغاز کرد. مطابق گزارش‌های رسیده بطور مثال در زندان اوین هفته‌ای چندبار اعضا و مأمورین این هیات سوار بر سه ماشین بنز مشکی وارد زندان شده و اسامی تعدادی از زندانیان را می‌خواندند. مأمورین این هیات بلافاصله آنان را تیرباران می‌کنند. تعدادی از زندانیان را در مقابل چشم دیگر زندانیان سیاسی به دار آویخته‌اند. تقریباً از بقیه در صفحه ۲

هیچ نشانی از توقف کشتار همگانی زندانیان سیاسی توسط رژیم خونخوار جمهوری اسلامی در میان نیست. همچنان اخبار تازه، همچنان نام‌های تازه، هر زمان بر فهرست نام فرزندان دلاور خلق که در اسارتگاه‌ها بر خاک افکنده شده‌اند افزوده می‌شود. بر اساس اخبار دریافتی طی ماه گذشته در بند زنان زندان اوین ملاقات‌های محدود زندانیان با خانواده‌هایشان محدودتر شده است. مطابق روال طی شده در زندانهای مردان این نشانه گسترش کشتار زندانیان در زندان زنان است. هبای سیاه فقه‌ای جنایتکار سابه مرگ‌آفرین خود بر زندان‌ها را قلیظ‌تر می‌کند. حاجی کربلایی مسئول پاسخ به خانواده‌های رجوع‌کننده به زندان اوین که برآستی خودبهترین نمود ماهیت و تمامیت جمهوری اسلامی است، اعلام کرده است: "سه بند شامل ۱۲۰۰ نفر را در اوین آب و جارو کرده و در هایش را بسته‌ایم." مسئولین کمیته خاوران خطاب به خانواده‌های زندانیان سیاسی ابراز کرده‌اند: "۸۶۴۰ نفر را کشته‌ایم چون آدم نشدند."

همانگونه که قبلاً گزارش کردیم، قتل‌عام زندانیان سیاسی را هیتی ویژه که مستقیماً از سوی شخص خمینی و مسئولین طراز اول



یاد شهیدان به خون خفته خلق جاودان باد!

در قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران گروه کثیری از فداییان خلق جان باختند. رفیق صداسلامی عضو کمیته مرکزی، رفیق محمدحسن دیانک شوری عضو مشاور کمیته مرکزی، رفیق حمید منتظری عضو مشاور کمیته مرکزی و ده‌ها بسیاری از دیگر کادرها، اعضا و هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به خون در غلتیدند.

نشریه اکثریت با معرفی شهیدان فدایی می‌کوشد خوانندگان خود را با فرازهایی از زندگی این دلیران آشنا سازد. در شماره ۲۳۸ نشرده‌ای از زندگینامه چند فدایی شهید آمده بود. در این شماره مختصری از زندگینامه رفقا صداسلامی، محمدحسن دیانک شوری و پیروز احیا و سعید کاظمی می‌خوانید.

در صفحات ۶، ۷، ۸، ۹

در این شماره

بالاخره "مصلحت" جمهوری اسلامی چیست؟

نزدیک به یک سال پس از تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت"، خمینی در روز یازدهم دی‌ماه اختیارات این مجمع را از آنچه تاکنون وجود داشته است، محدودتر کرد. خلیفه چهاران، در پیامی به اعضای این مجمع نوشت: "از آنجا که وضعیت جنگ به صورتی درآمده است که هیچ مسئله‌ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع مطرح گردد لازم می‌دانم نکاتی را متذکر گردم." نکات مورد اشاره خمینی از این قرارند:

۱- آنچه که تاکنون در مجمع تصویب شده است، به قوت خود باقی است.

۲- آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت صلاحدید تصویب نماید.

۳- پس از آن تنها در مواقعی که بین مجلس و

شورای نگهبان اختلاف است به همان صورتی که در آئین نامه مصوب آن مجمع درج شده بود عمل گردد.

خمینی در ادامه پیام خود به اعضای فقیه شورای نگهبان "تذکره پدران" کرده‌است که "خودشان قبل از هر چیز مصلحت نظام را در نظر بگیرند." وی افزوده است: "این بحث‌های طلبگی مدارس... ما را به بن بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض واقعی قانون اساسی می‌گردد." در حدود یک ماه پیش از این، هده‌ای از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به خمینی نوشته بودند که "مجمع تشخیص مصلحت" که نخست قرار بود نقش داور در اختلافات مجلس و شورای نگهبان را ایفا کند، عملاً به قانون‌گذاری پرداخته است. آنها از خمینی خواستند که این مشکل را حل کند و وی وعده داد که "در چارچوب قانون بقیه در صفحه ۵

بیانیه سازمان عفو بین‌الملل
موج اقدام‌های سیاسی در ایران
در صفحه ۳

هشتمین کنفرانس نویسندگان
آسیا و آفریقا کشتار زندانیان سیاسی
ایران را محکوم کرد
در صفحه آخر

گرانی طاقت‌فرسا

در صفحه ۵

اخباری از تبهکاری بی مرز جمهوری اسلامی در کشتار همگانی زندانیان سیاسی

بقیاد از نسخه اول

زندانیان اعدام شده که وسائلشان به خانواده‌هایشان تحویل داده شده است وصیتنامه‌ای حتی تکه پاره شده و سانسور شده مانند قبل بجا نمانده است که این خود نشانگر انجام اعدام‌های ناگهانی و فوری است. زندانیان را در گورهای جمعی دفن کرده‌اند. برخی از اجساد در پتو پیچیده شده و دفن شده است. برخی از وسایل و حلقه‌های ازدواج زندانیان تیرباران شده بهنگام تحویل همچنان خونی بوده‌اند. در مقابل پرسش‌های مکرر خانواده‌ها مأمورین زندان گفته‌اند که اعدام شدگان با بیرون از زندان ارتباط داشته‌اند و نه تنها در مدت اسارت هوش نشده‌اند بلکه برآه‌آمندگان را نیز همراه کرده‌اند. پلیدی ایادی خمینی را حدی نیست آنان حساب شده و طرح‌ریزی شده خانواده‌های

دریافت مبلغ مزبور به آنان اطلاع داده‌اند که عزیزشان در زیر خاک خفته است.

مبارزات جمعی خانواده‌های زندانیان سیاسی و شهیدان به رفم تمامی فشارها ادامه دارد. یکی از پر نمودترین حرکات اخیر، تظاهراتی بود که توسط گروهی از بستگان شهیدان و زندانیان از برابر کاخ دادگستری در تهران آغاز گردید. در اوایل ماه جاری بیش از دویست تن از این دافداران با اجتماع در برابر کاخ دادگستری خواستار توقف جنایات در زندانها و کسب آگاهی از سرنوشت عزیزان دربند خویش گردیدند. این حرکت در آن مکان پر از دحام تاثیر افشاگرانه همیقی برجای گذاشت. اعضای خانواده‌ها سپس تصمیم به راهپیمایی بسوی مجلس شورای اسلامی در خیابان سپه گرفتند. به این ترتیب تظاهر کنندگان به حرکت در آمدند

اعدام شدگان را شکنجه می‌کنند. به‌هنگام تحویل آخرین یادگارهای شهید در خون تبیده خلق، بهنگام پاسخ دادن به خانواده‌های جویای خبر، به‌هنگام اعلام خبر اعدام، با سر دوانیدن و در بیم واضطراب نگهداشتن، به شک و تردید انداختن خانواده‌ها در مورد کشته شدن عزیز خود پس از اعلام خبر اعدام و حتی دریافت باقیمانده وسایل برای جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت و... خانواده‌های شهیدا به دهها شکل تحت شکنجه روانی قرار داده می‌شوند. اخاذی از خانواده‌های شهیدا نیز رواج دارد. علاوه بر درخواست پول برای ارائه خبر، برای گفتن نشانه‌ای کلی از محل دفن، درخواست مخارج تیرباران می‌کنند. در مسواردی دیده شده است که از خانواده‌ها درخواست مخارج معالجه دندان فرد زندانی را کرده‌اند (مبالغی بین ۱۰ تا ۳۰ هزار تومان) و پس از

و در اطراف پارک شهر هده آنان از ۵۰۰ تن گذشت. حرکت صفی از مادران و پدران دافدار و دردمند، در خیابانهای مرکزی تهران در همان فاصله کوتاه باعث ژرفترین احساسات همبستگی مردم رهگذر گردید. ارگانهای سرکوب رژیم از ترس گسترش دامنه آن و تبدیل آن به یک تظاهرات مردمی بلافاصله وارد عمل شدند و پیش از آنکه صف تظاهر کنندگان از خیابانهای اطراف پارک شهر دور شود و به مجلس برسند، به آنان یورش بردند. مزدوران با خشونت بیسابقه‌ای به ضرب و شتم راهپیمایان پرداختند و هدهای را دستگیر کرده و به زندان منتقل ساختند.

شمار این عزیزترین فرزندان خلق که در کشتار همگانی زندانیان سیاسی به زیر خاک فرستاده شده‌اند همچنان فزونی می‌یابد. ما در شماره گذشته نام ۴۴۰ تن از قربانیان فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی را منتشر

فهرست اسامی گروهی دیگر از شهیدان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

- | | |
|--|--|
| ۴۷۱- زمانی (حزب توده ایران) | ۴۴۱- دکتر خلیل ابرقویی (حزب توده ایران) |
| ۴۷۲- محمود زندی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۴۲- ناصر اخوان اقدم (سازمان فدائیان خلق ایران - پیرو بیانیه ۱۶ آذر) |
| ۴۷۳- عباس سرهمندیان | ۴۴۳- اسفندیاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۷۴- مهری سلاجی (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت) | ۴۴۴- احمد انصاری |
| ۴۷۵- سیاوش پور | ۴۴۵- ستار بایانژاد |
| ۴۷۶- احمد صالحی | ۴۴۶- محمد باقی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۷۷- بهرام طاهری پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۴۷- زینب باقری (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۷۸- سعید طباطبایی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۴۸- اسماعیل بحرینی |
| ۴۷۹- فضیلت علامه | ۴۴۹- دکتر بیژن (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت) |
| ۴۸۰- فیور | ۴۵۰- امیر مهران بی‌شم (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۸۱- حسن قاسمی پور (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۵۱- (بهرام) پرتوی (حزب توده ایران) |
| ۴۸۲- جواد قائم‌آبادی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۵۲- محمد پور هر مزان (حزب توده ایران) |
| ۴۸۳- رضا قریبی لنگرودی (رزمندگان) | ۴۵۳- ابراهیم توکل (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۸۴- محمد کوه‌چی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۵۴- فریبا چنگیزی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۸۵- کورش کیلاشکی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۵۵- محسن مسین نژاد |
| ۴۸۶- سیمین دخت کیانی دهکردی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۵۶- محمود حسینی |
| ۴۸۷- صمدکی خواه (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۵۷- ناصر حلیمی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۸۸- میرزا گودرزی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۵۸- محمد تقی خاشع (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۸۹- لامعی (حزب توده ایران) | ۴۵۹- مهر داد خسروی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۹۰- حسن لنگرودی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۶۰- شهریار خلیقی (سازمان مجاهدین خلق) |
| ۴۹۱- هیدالاجد محمودی فر (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۶۱- حمید خواجه‌گیری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۹۲- حمید رضا مفرد طاهری (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت) | ۴۶۲- دادمرزی (حزب توده ایران) |
| ۴۹۳- عباس پور ساحلی (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۶۳- اشرف دانشگر (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۹۴- محمد مرتضوی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۶۴- هلی رضا دولتی (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت) |
| ۴۹۵- کیوان مصطفوی (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۶۵- حمید دین خواه (راه‌کارگر) |
| ۴۹۶- کریم نادری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۶۶- راستاک (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) |
| ۴۹۷- نظر نظیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۶۷- رجب پور (سازمان چریک‌های فدایی خلق - اقلیت) |
| ۴۹۸- صبا نظیر مقدم (سازمان مجاهدین خلق) | ۴۶۸- بهزاد رشیدی |
| ۴۹۹- بهرام نیک‌آفرین (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | ۴۶۹- محمود رئیسی و همسرش زهره |
| ۵۰۰- سید خلیل هوشیاری (سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت) | |
| ۵۰۱- | |



بیانیه سازمان عفو بین الملل بزرگترین موج اعدام‌های سیاسی در ایران از آغاز دهه ۸۰

در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۸، سازمان عفو بین الملل در اعتراض به موج اعدام‌های اخیر در ایران، بیانیه‌ای منتشر کرد که خبر آن را در "اکثریت" شماره ۲۳۸ درج کردیم. مشروح بیانیه به دست ما رسیده است که کوتاه شده آن را می‌خوانیم:

"مقامات ایرانی بزرگترین موج اعدام‌های سری سیاسی از آغاز دهه ۸۰ بدین سو را انجام داده‌اند.

دلایل اثبات کننده اعدام‌های جمعی اکنون غیر قابل انکار است. شواهد، از منابع مختلف، از جمله بستگان زندانیان اعدام شده و موضعگیری‌های اخیر خود مقامات، آمده‌است.

سازمان عفو بین الملل اطلاعاتی دریافت داشته است که به موجب آن از ژوئیه، بیش از ۳۵۰ تن اعدام شده‌اند. اما تقریباً بطور حتم، این تنها "نوک کوه یخ" است و شمار کل واقعی، احتمالاً به هزاران بالغ می‌شود.

واقعاً هیچ کس نمی‌داند تاکنون چند نفر به قتل رسیده‌اند، کشتار کی پایان خواهد یافت و مرگ در نوبت بعدی به سراغ که خواهد آمد. نگرانی ما از این افزایش می‌یابد که هزاران زندانی سیاسی هنوز در ایران در اسارت بسر می‌برند و بسیاری از آنان که اخیراً اعدام شده‌اند، یا بدون محاکمه زندانی شده بودند و یا محکومیت‌های طولانی حبس پس از محاکمات غیر عادلانه را می‌گذراندند.

برخی دیگر از اعدام‌شدگان در موج اخیر، مظلومین به مخالفت سیاسی بوده‌اند که پس از گذراندن محکومیت خود در زندان ننگ داشته شده بودند و یا پس از آزادی از زندان سیاسی، دوباره دستگیر

شده بودند. بسیاری از زندانیان اعدام شده، در طول اسارت شکنجه شده‌اند...

کشتارهای مخفیانه در زندان‌های سراسر ایران، از جمله اوین و گوهردشت در تهران و در تبریز، مشهد و شیراز صورت گرفته‌اند.

مقامات در آفاق، اخبار حاکی از بدار زدن‌ها و تیرباران‌های جمعی را انکار می‌کردند، اما دیگر موضعگیری‌های هلنی مقامات ایرانی، از جمله علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، ظرف روزهای گذشته، این اخبار را تأیید کرده‌است. شواهد، انکار ناپذیر است. بسیاری از جزئیات مربوط به اعدام‌ها، توسط گروه‌های اپوزیسیون و بستگان نزدیک اعدام‌شدگان گزارش شده است. منابع، طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود و اطلاعات داده شده از سوی آنها با یکدیگر مقایسه شده است.

از جمله این بستگان، زنی است که در اوت ۱۹۸۸، هنگام جستجوی پیکر شوهرش در گورستان جاده خاوران تهران، در زیر خاک به جسد یک مرد اعدام شده برخورد کرده است. این گورستان را "لعنت آباد" نام نهاده‌اند.

این شاهد عینی به عفو بین الملل گفته است: "گروه‌های اجساد - برخی با لباس و برخی در کفن - در گورهای غیر همیق بی‌نشانه، در بخشی از گورستان که به دفن زندانیان سیاسی چپ اعدام شده اختصاص دارد، چال شده‌اند." وی می‌افزاید:

"بوی تعفن اجساد آزار دهنده بود اما من می‌گویشم با دستان خودم خاک را بکنم زیرا برای من و

دو کودک خردسالم مهم بود که بتوانم محل دفن شوهرم را پیدا کنم."

این زن می‌گوید صورت جسدی که کشف کرده است، پوشیده از خون بود و او ناچار شد آن را پاک کند تا مطمئن شود که شوهرش نیست، او نتوانسته است تا کسب اطمینان، به کندن ادامه دهد زیرا پاسداران در گورستان گشت می‌دادند. چند روز بعد، سایر بستگان وی که به گورستان رفته بودند، گور شوهرش را برای وی شناسایی کرده‌اند.

این زن می‌گوید: "وقتی فهمیدم کجاست، دیگر می‌توانستم کشور را ترک کنم." شوهر او، عضو یک گروه کمونیستی و یک زندانی سیاسی در زمان شاه سابق، در اوایل ۱۹۸۵ بازداشت شد، ماه‌ها تحت شکنجه قرار گرفت و پس از یک محاکمه کوتاه که در آن در نتیجه شکنجه، حواس او سر جای خود نبود، محکوم شد و هیچگاه نفهمید به چند سال زندان محکوم شده است. در اوایل اوت، همسرش برای نوبت هادی ملاقات به زندان اوین مراجعه کرد، اما به او گفتند که شوهرش به جای دیگری انتقال یافته‌است.

این زن می‌گوید: "دنیا برایم تیره و تار شد. روزهای زیادی به من اطلاعات ضدونقیض می‌دادند. سپس به من وصیتنامه او را دادند."

مقامات گورستان تأیید کردند که او اعدام شده است اما از ذکر محل دفن وی خودداری کردند.

این زن اکنون در خارج از ایران است اما مایل است ناشناخته بماند زیرا از پیگرد خانواده‌اش در ایران نگران است.

در میان سایر اعدام‌شدگان بطور مخفی در ماه‌های اخیر، دانش‌آموزان سابق هستند که در اوایل دهه ۸۰ به جرم پخش جزوات سیاسی یا اخلاق در گروه‌هایی‌های سیاسی دستگیر شده‌اند. برخی از آنها علیرغم آنکه تنها به شش‌ماه زندان محکوم شده بودند، در زندان نگهداری می‌شدند.

یک دانش‌آموز سابق که اخیراً اعدام شد، بدون حکم یا محاکمه از هنگام دستگیری‌اش در ۱۹۸۲ که ۱۶ سال بیش نداشت، در زندان بود. برادر و برخی از بستگان او نیز اعدام شده‌اند. یک قربانی دیگر، هنگامی که در سال ۱۹۸۱ دستگیر شد، ۱۷ ساله بود. او به هلت هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران به ۱۱ سال زندان محکوم شد...

ملاقات زندانیان با خانواده‌هایشان به مدت سه ماه قطع شد و کسب اطلاعات موثق از آنچه بر هزاران زندانی سیاسی در ایران می‌گذرد، با اینکه اعلام شده بود از اواخر اکتبر ملاقات از سر گرفته می‌شود، این امر تنها در موارد محدودی انجام شده‌است.

اعضای سازمان عفو بین الملل هزاران فراخوان برای توقف اعدام‌ها به مقامات ایرانی فرستاده‌اند. عفو بین الملل با مجازات اعدام در همه موارد به مثابه نقض حق زندگی و حق مصونیت از رفتار یا مجازات خشونت‌آمیز، مخالف است. عفو بین الملل به ویژه از فقدان شرایط محاکمه عادلانه زندانیان سیاسی در ایران و فقدان حق فرجام‌خواهی علیه احکام اعدام نگران است."

کمک‌های مالی رسیده

دانمارک

برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از کپنهاگ (ع خ)	۱۵۰ کرون
برای کمک به واحدهای فدایی داخل کشور از کپنهاگ - کوچولو	۱۵۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ (ع خ)	۱۵۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ - غش	۱۲۰ کرون
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از کپنهاگ - شمال	۳۶۰ کرون

هر نام را به یک پرچم تبدیل کرد. در این شماره نام و نشان جمع دیگری از اعدام‌شدگان اخیر را که برای ما روشن شده است در صفحه ۲ می‌خوانید.

ساختیم. علیرقم همه محدودیت‌های موجود و تمهیدات رژیم ما بر آنیم که نگذاریم نام هیچ شهید خلق برای خلق پوشیده بماند. جنایات و پلییدی جمهوری اسلامی را باید به چشم جهانیان آورد. باید

آمار خروج ایرانیان از کشور

روزنامه دولتی اطلاعات طی سلسله مقالاتی درباره چگونگی جذب متخصصان خارج از کشور، آمار ایرانیانی را که در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۵ به طور رسمی از کشور خارج شده اند، انتشار داده است. ارزیابی این آمار در ۸ سال متوالی بیانگر رشد فزاینده مهاجرت مردم به خارج از کشور است. طبق این آمار در سال ۵۷، نزدیک به ۵۸۸ هزار و ۹۵۷ نفر از کشور خارج شده اند، شمار خروج رسمی اتباع کشور در سال ۵۸، ۵۲۶ هزار و ۶۳ نفر، در سال ۵۹ تعداد ۲۹۷ هزار و ۶۵۲ نفر، سال ۶۰ تعداد ۱۳۳ هزار و ۴۱۹ نفر، در سال ۶۱ تعداد ۱۳۳ هزار و ۶۸۶ نفر، سال ۶۲ تعداد ۲۴۸ هزار و ۳۶۵ نفر، سال ۶۳ تعداد ۶۶۳ هزار و ۶۱۳ نفر، سال ۶۴ تعداد ۶۷۶ هزار و ۴۳۰ نفر و سال ۶۵ تعداد ۵۷۸ هزار و ۱۰۳ نفر بوده است. این همه باویزای هادی یعنی گذرنامه غیرتحصیلی، فیزیارتی، غیر سیاسی و خدماتی از ایران خارج شده اند.

نرخ صادراتی فرش در جه یک ایران سقوط کرد

مرکز توسعه صادرات ایران تصمیم گرفت نرخ صادراتی فرشهای دستباف درجه یک کشور را تا ۳۰ درصد کاهش دهد. در گزارش روابط عمومی مرکز توسعه اعلام شد که این اقدام بنابر پیشنهاد کمیته توسعه صادرات و تصویب کمیسیون نرخ گذاری کالاهای صادراتی صورت گرفته و هدف از آن جلوگیری از خروج غیرمجاز فرش از کشور است.

فرشهای نوع نائین، علا، قم ابریشم، اصفهان، کاشان تمام ابریشم، تبریز ۶۰۰۰، تبریز تمام ابریشم، تبریز ۵۰۰۰، اردبیل کف ابریشم،

روز پنجشنبه ۱۷ آذرماه در مسکو منعقد شد. محمد جواد ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی در گفتگویی با مطبوعات در زمینه سایر مفاد پروتکل مشترک ایران و شوروی گفت: بالا بردن توان تولید نیروگاههای رامین اهواز و نیروگاه اصفهان به میزان ۱۰۳۰ مگاوات، طرح توسعه و تکمیل ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن اصفهان که طی شش ماه آینده به ۱/۹ میلیون تن فولاد در سال خواهد رسید، همکاری در زمینه احداث خط آهن سرخس-مشهد توافق طرفین در زمینه تردد کامیونهای ایرانی به باکو جهت انتقال کالاهای ایرانی به بنادر دریای سیاه و از آن طریق به کشورهای اروپایی، جزو یادداشت تفاهم دو کشور در یازدهمین اجلاس کمیسیون دائمی بوده است.

تغییرات سهمیه ارزی دانشجویان در خارج از کشور

از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصمیمات تازه ای در زمینه میزان ارز دانشجویان ایرانی شافل به تحصیل در خارج از کشور اتخاذ شد. براساس مصوبه جدید، میزان ارز دانشجویی برخی از کشورها افزایش یافته است. طبق این مصوبه ارز دانشجویان ایرانی در بریتانیا از ۲۵۰ پوند به ۲۷۰ پوند رسیده است. همچنین مقرری ارزی سهمیه همسر دانشجویان ۴۵ درصد و سهمیه فرزندان دانشجویان ۱۵ درصد به ۳۰ درصد تغییر یافته است. علاوه بر این، طرحی به مجلس ارائه شده که در صورت تصویب آن، نرخ ریالی ارز دانشجویان برابر ارزش دولتی خواهد بود. هم اکنون طبق تصمیمات سابق مجلس نرخ ریالی ارز دانشجویان دو برابر ارزش دولتی است که فقط شمار محدودی از دانشجویان ایرانی شافل به تحصیل در خارج از آن برخوردارند.

لایحه بودجه سال آینده به مجلس ارائه شد

لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور روز یکشنبه ۱۱ دی ماه از سوی میرحسین موسوی نخست وزیر برای تصویب به مجلس ارائه شد. در لایحه دولت، هزینه های بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۶۸ در مجموع برابر ۳۸۵۶/۱ میلیارد ریال برآورد شده است که ۳۰۵۰/۹ میلیارد ریال آن به هزینه های جاری و ۸۰۵/۲ میلیارد ریال به هزینه های عمرانی اختصاص دارد. طبق اظهارات موسوی بودجه سال آینده نسبت به بودجه سال ۱۳۶۷، تغییر جزئی کرده و در سال آینده هزینه های جاری دولت نسبت به سال گذشته بدون در نظر گرفتن هزینه های ناشی از جنگ، ۳/۲ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین در قسمت درآمدها در بودجه سال ۱۳۶۸، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافته و قرار است نیمی از درآمدهای بودجه از طریق اخذ مالیات های مستقیم و غیر مستقیم تامین شود.

لایحه بودجه تامین نیازهای جنگ چون بودجه سال های گذشته در اولویت قرار گرفته است. طی ۹ سال جنگ هر سال بیش از یک دوم بودجه دولت به طور مستقیم به هزینه های بلاواسطه جبهه ها اختصاص داده شده است. امسال نیز دولت اعلام کرده نباید انتظار داشت که اولویت ها، محدودیت ها، امکانات و مقتضیات سنگین بودجه در زمان جنگ از اولویت بندی بودجه سال ۱۳۶۸ کنار گذاشته شود.

رئیسجانی رئیس مجلس در دفاع از اولویت هزینه های جنگ در برنامه بودجه سال آینده می گوید: "ما هنوز در شرایط جنگ و نه صلح قرار داریم و تنها گلوله شلیک نمی شود و بقیه مخارج و هزینه ها به سر جای خود باقی است... آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد این است که پس از پذیرش قطعنامه هیچ گشایشی در وضع مالی دولت به وجود نیامده است بلکه به علت امنیت در خلیج فارس، حجم صادرات نفت افزوده شده و لذا قیمت نفت کاهش یافته است."

برای تخفیف کسری هزیم بودجه سال ۱۳۶۸، بسیاری از کارشناسان رژیم اخذ وام از کشورهای خارجی را الزامی می شمارند و عده ای از نمایندگان مجلس با استناد به اصل ۸۰ قانون اساسی رژیم آنرا مجاز می دانند.

بودجه سال ۱۳۶۸ پس از بررسی در کمیسیون برنامه و بودجه، پیش از پایان سال جاری برای تصویب نهایی در مجلس طرح خواهد شد. دولت موسوی قرار است بزودی یک برنامه عمرانی ۵ ساله نیز که هم اکنون در حال تدوین است برای تصویب به مجلس ارائه دهد.

از سرگیری صدور گاز به شوروی

در یازدهمین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری های اقتصادی ایران و شوروی پروتکل صدور گاز ایران به شوروی امضا شد. براساس پروتکل مذکور، قرار است سالانه ۳ میلیارد متر مکعب گاز به شوروی صادر شود. این قرارداد



ولی هوای روزهای آخر هفته گذشته تهران بقدری سنگین و آلوده بود که چندمتری پیش پا هم به سختی دیده می شد. آیا در برابر این هوای کثیف هنوز هم باید سکوت کرد و به هشدارهای گاه و بیگاه و حرف شننده کرد؟

این تصویر هوای صبح چهارشنبه که نه خود هوای ۱۶ آذرماه تهران و روزهای قبل از آن است، فکر نکنید دوربین خراب بوده یا فیلم ایرادی داشته است، عکاس هم نهایت دقت و سعی خود را برای گرفتن عکس واضح بکار برده است

گرائی طاقت فرسا

گرانی، اخیرا با شدت بیشتری
پیدا می‌کند قیمت‌ها همدتا از
دوره "پیش از قطعنامه" هم
فرا تر رفته و مردم را در برابر
مشکلات بازهم بیشتر در تعیه
حداقل مایحتاج زندگی قرار داده
است. اقدام رژیم به آزاد کردن
ورود کالاها با ارز آزاد، بهای ارز را
به بالاترین حد آن در ماه‌های اخیر
رسانده که این خود هلت دیگری
برای افزایش قیمت هاست. اخبار
رسیده، حاکی از سیر صعودی
بلاوقف قیمت هاست. در زیر
جدولی از بهای کالاها را در ماه‌آبان
مشاهده می‌کنید. دو تلم آخری
مربوط به ماه جاری است، (بریال)
روغن نباتی ۴/۵ کیلویی ۱۲۰۰۰
فروش ماشینی ۱۲ متری ۲۵۰۰۰۰
چیت یک متر ۴۵۰
(بهای پیشین ۲۵ ریال بود)
گونی ساده یک متر ۶۰۰
مقال یک متر ۹۰۰
قندیک کیلو ۱۷۰۰
سبزی خور دن یک کیلو ۱۵۰
پر تقال یک کیلو ۲۳۰
نارنگی یک کیلو ۱۷۰
هدس یک کیلو ۵۰۰
یخچال ۱۱ فوت ۱۸۰۰۰۰
یخچال بزرگ ۱۱۰۰۰۰۰
گوشت با استخوان یک کیلو ۱۸۰۰
گوشت بی استخوان یک کیلو ۲۲۰۰
پنیر تبریز یک کیلو ۱۴۰۰
تخم مرغ هر عدد ۵۰
عدد استکان معمولی ۱۳۰۰
دفتر ۱۰۰ برگ هر عدد ۵۰۰
پیاز یک کیلو ۲۲۰
سیب زمینی یک کیلو ۱۵۰
آهن یک کیلو ۷۰۰
یک دلار امر یکایی ۱۲۰۰

بالاخره "مصلحت" جمهوری اسلامی چیست؟

بقیه از صفحه اول

دانشگاه‌ها نیز هرصه رقابت تشدید شده باند‌های حکومتی است. از اخبار و گزارش‌هایی که در روزنامه‌ها چاپ می‌شود، چنین برمی‌آید که جناح‌های رقیب، علیه یکدیگر مجمع تشکیل می‌دهند، یخ‌خزانی می‌گذارند و نیرو بسیج می‌کنند. روزنامه رسالت، آخوندی بنام مرتضی رضوی را که در دانشگاه تهران هردو جناح را "نماینده سرمایه‌داران" دانسته است، مورد حمله قرار داده است. در چنین فضایی از مناسبات جناح‌های حکومتی هر گروهبندی می‌کوشد منافع خود را به‌نام "مصلحت"؛ جمهوری اسلامی به‌کرسی نبشاند، آیا اصلاً چشم‌اندازی هست که چنین شود و جمهوری اسلامی قادر است خود را از جنگ فرسایشی جناح‌های متنازع نجات دهد؟ خمینی که هیچ‌کس مانند او قدرت نگه‌داشتن افسار آخوندهای به‌مسند قدرت رسیده را که برای گلولی هم دندان تیز کرده‌اند، نخواهد داشت، در "تشخیص مصلحت" در مانده است، حکمی می‌دهد و بعد نقض می‌کند، یکی را تقویت می‌کند و به‌زمینش می‌زند، و همه را به‌وحدت فرا می‌خواند و باز جانب یکی را می‌گیرد...

شاید این بن‌بست و بهران، بهران مرگ باشد، نه فقط مرگ موهیایی پوسیده‌ای که در جماران نشسته است. شاید این بیماری، تادم مرگ بیمار ادامه یابد. این مرگ هر قدر هم که به‌طول بیانجامد، بوی تعفن جسد، ناله‌است که فضا را پر کرده است.

وضع موجود^{۱۱} را به سوادین یان جناح تعبیر کرد، ولی آنچه مسلم است، این است که با شرایط موجود، هیچ گروه بندی قدرت در درون رژیم توان تحصیل راه حل های مورد نظرش در عرصه های مختلف را به رقبای بطور کامل و دربست ندارد. این را تجربه چندساله نشان می دهد. پس بحران ادامه می یابد و تشدید می شود. جمهوری اسلامی حتی از نتایج برقراری آتش بس هم نتوانسته است به سود تخفیف بحران بهره اساسی بگیرد.

یک نمونه از تشدید بحران، گسترش نمودهای هلنی اختلالات شدید باندهای درون حکومتی است که بطور مثال، در جریان ارائه^{۱۲} طرح قانونی نحوه اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی^{۱۳} به مجلس توسط نمایندگان وابسته به جناح^{۱۴} "فقه سنتی" دیده شد. این اصل مقرر می کند که رئیس دیوان عالی کشور، باید دارایی همه مقامات عالی را از رهبر گرفته تا وزرا و بقیه کنترل کند. در مورد این طرح، مباحث تند و وسیعی در مجلس صورت گرفت و چند روز از مذاکرات مجلس، صرف این مباحث شد. روزنامه رسالت، طعن ز بان در تیتیر سر مقاله خود نوشت: "آن را که حساب پاک است از محاسبه چه پاک است"^{۱۵} یک نماینده مجلس گفت هر روز بر تعداد مقامات عالی رتبه ای که، خبر "بنیادداشتن"^{۱۶} شان می رسد، اضافه می شود. وی درست کردن انواع و اقسام "بنیادها" را وسیله ای برای

اساسی^{۱۱} به حل مشکل اقدام خواهد کرد.

تاکید آن زمان و نیز تاکید مجدد خمینی بر قانون اساسی، حاکی از آن است که وی حداقل در حال حاضر قصد آن را ندارد که رسماً این قانون را به مثابه مبنای تنظیم روابط مراکز قدرت در جمهوری اسلامی تغییر دهد. با این پیام خمینی، فعلاً بحثی که از جمله، رفسنجانی و خامنه‌ای چندماه پیش در مورد احتمال تغییر یا افزودن متمم بر قانون اساسی گشودند، مخته‌و‌ه اعلام شده است. در واکنش نسبت به ابراز تمایل برخی‌ها به تغییر قانون اساسی، از جمله محمد یزدی عضو فقهای شورای نگهبان در یک مصاحبه با روزنامه رسالت تاکید کرد که با تغییر قانون اساسی مخالف است. این اظهارات یزدی را می‌توان مخالفت جناح متمرکز حول فقهای شورای نگهبان با تجدید نظر در قانون اساسی تعبیر کرد.

پیام اخیر خمینی قطعاً بحران و بن‌بست قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری را در جمهوری اسلامی که به‌ویژه در هرصه اقتصادی این رژیم را فلج کرده است، نخواهد شکست. خمینی فعلاً به این نتیجه رسیده است که در بنای کج و معوج نظام سیاسی رژیمش، قانون اساسی موجود آجری است که اگر آن را بیرون بکشد، تکان‌های ناشی از فرو ریختن سنگ‌های دیگر، شاید کرل دیوار را در معرض خطر قرار دهد. شاید بتوان در این یا آن مقطع، اقدام خمینی در "حفظ

ترکمن تمام ابریشم، قم کف ابریشم، ناژین ۹۹، مشمول مصوبه مرکز توسعه صادرات هستند. تحولات بهای ارز در بازار تهران و نیاز شدید دولت به هوای ارزی و همراه با آن قاچاق فرش و کاهش صدور کالاهای غیرنفتی از طریق کنترل گمرکی از محل اصلی تصمیم مرکز توسعه صادرات برای شکستن نرخ فرشهای دستباف ایران، در بازارهای جهانی است.

افزایش بهای حق اشتراک تلفن

بر اساس لایحه بودجه سال جاری حداقل یک سوم هزینه نصب و راه اندازی تلفن در سطح کشور از مردم اخذ می شود.

توضیح داد که افزایش هزینه اشتراک تلفن تحت عنوان "خودیاری" دریافت می شود و میزان آن برای متقاضیان در شهرهای کوچک ۴۰۰ هزار ریال، شهرهای بزرگ ۵۰۰ هزار ریال و شهرهای خیلی بزرگ ۶۰۰ هزار ریال می باشد. وی افزود: از کسانی که از سال های قبل فیش تلفن دریافت کرده اند به ترتیب ۲۰۰ هزار ریال، ۲۵۰ هزار ریال و ۳۰۰ هزار ریال وصول می شود. کسانی که قادر نباشند و یا نخواهند افزایشی برای اشتراک را بپردازند، هلیز فتم آنکه مدت ها در نوبت باشند از دریافت تلفن محروم خواهند شد.

بیماری ایدز در ایران

به اعتقاد وزیر بهداشت و درمان بیماری‌های ایران، حدی و بالقوه است و فعالیت‌های

برای مبارزه علیه انتقال و گسترش آن به ایران از سال ۶۴ آغاز شده است. طبق اظهارات رئیس کمیته علمی کشوری مبارزه با بیماری ایدز، «آن دسته از فرآورده های خونی که قبل از سال ۶۴ همدا از کشورهای آمریکایی و اروپایی وارد ایران شده اند ممکن است آلوده بوده باشند و احتمال دارد برخی از افرادی که از این فرآورده های خونی استفاده کرده اند به ویروس ایدز آلوده شده باشند».

رئیس کمیته علمی مبارزه با بیماری‌های ایدز توضیح داد که هم‌اکنون نیز امکان جداسازی ویروس ایدز در ایران وجود ندارد و لذا افراد مبتلا شناسایی نشده، تشخیص قطعی نشده‌اند. زیرا برای تشخیص قطعی ابتلا بیمار، به امکانات گسترده ویروس‌شناسی نیاز است و این امکانات هنوز فراهم نشده است.

قهرمان خلق، صمد اسلامی

فدایی فروتن و سخت کوش، انسان شریف، مبارز پرتلاش، رهبر محبوب کارگران تبریز، فرزند کبیر خلق، صمد اسلامی طاهری، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، تیرباران شد. رفیق از جمله گوهرهای تابناک و نادر جنبش بود که در نتیجه ویژگی‌های کارمخفی و تواضع و بی‌پیرایگی خود او حتی برای رفیقان نزدیکش آشنان که بود شناخته نشد. با شهادت رفیق، جنبش انقلابی ایران یکی از برجسته‌ترین کادرهای خویش را از دست داد.

صمد در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای زحمتکش در یکی از محلات فقیرنشین تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تبریز گذراند و در سال ۵۳ وارد دانشگاه علم و صنعت گردید. او که از سالهای ۵۲ - ۵۱ هوادار سازمان بود، در دانشگاه به یکی از فعالین جنبش دانشجویی تبدیل شد. در سال ۵۴ مسئولیت گروهی از انقلابیون را به عهده داشت. گروه تحت رهبری او که به مطالعه آثار مارکسیستی و تکثیر دستی و پخش آن می‌پرداخت، نقش فعالی در حرکات دانشجویی داشت. گروه توسط صمد مسلح شده بود. به دنبال ضربات سال ۵۵ رژیم شاه به سازمان، با توجه به شور و شعور و توانی که سازمان در او یافته بود، در رابطه مستقیم با رهبری سازمان و به طور مشخص با یکی از رفقای رهبری قرار گرفت. در شرایط سخت پس از ضربات، صمد خدمات فوق العاده ارزنده‌ای به سازمانش کرد. در نتیجه امکانات و توانایی‌های شخص او و گروهش، ارتباط سازمان با دانشگاه‌های تهران گسترش یافت. هسته‌های دانشجویی متعددی در دانشگاه‌های تهران از طریق ارتباط "دبه‌ای" به گروه او مربوط بودند. با توجه به تیپ مردمی و متواضع صمد، سازمان توانست از طریق او نخستین هسته‌های کارگری را در کارخانجات تبریز به وجود آورد. نقش صمد در جنبش خارج از محدوده تهران از فرازهای برجسته زندگی او است. در سال ۵۶ - که جنبش زحمتکشان مناطق خارج از محدوده تهران آغاز شد، صمد در راس آن قرار داشت. بخش

برگزار شد و باردیگر گوسفند قربانی هید را در همین خانه سر بریدند. او هر آنجا که لازم بود، هلنا وارد صحنه می‌گشت، اعلامیه انفجار دفتر حزب رستاخیز را صمد و رفقایش در روز روشن در بازار تهران پخش کردند.

صمد، در خیزش توده‌ای سال ۵۷ فعالانه شرکت کرد. در جریان قیام و تسخیر پادگان‌های تهران از سازمانگران بود.

سازمان پس از قیام صمد را با توجه به موقعیتش در تبریز، به زادگاهش اعزام کرد. او از سازمان‌گران ستاد فدائیان در تبریز و از اعضای برجسته شاخه آذربایجان بود. صمد در تبریز با توجه بیشتری به جنبش کارگری پرداخت. به ابتکار او از اوایل سال ۵۸، جلسات عمومی کارگران علاقمند به مسایل کارگری و مدتی بعد "هسته‌های کارگری" شکل گرفتند. علیرغم کار فوق العاده زیادی که برای رهبران سازمان در آذربایجان وجود داشت، او حتی جزیی‌ترین مسایل هسته‌ها را تعقیب می‌کرد.

فراوان کار سبب تشکیل "کمیته کارگری" گشت. صمد مبتکر این کمیته بود. جنبش کارگری تبریز در سال‌های پس از انقلاب تحت نظارت مستقیم او رشد کرد. در هدایت اعتصاب پیروزمند کارگران کارخانه ماشین‌سازی تبریز نقش درجه اول داشت. آخرین کار اصلاحی اعلامیه‌هایی که به امضای کارگران پیشرو انتشار می‌یافت. با او بود، او نقش بسیار برجسته‌ای در برگزاری جشن‌های اول ماه مه سال ۵۹-۵۸ تبریز ایفا کرد. سرودی که در این روزها در خیابان‌های تبریز توسط تمام کارگران شرکت کننده طنین افکند، با پیشگامی او تهیه شد. آن روز که سیل کارگران تبریز، سرود تهیه شده سازمان را پایکوبان فریاد می‌زدند، صمد نیز با روی خندان پای می‌کوبید:

بیرلشین، بیرلشین دنیانین کارگرلری

بیرلشین، بیرلشین ایرانین کارگرلری

یئغیشین، یئغیشاق، شورا توراخ

او ربه حق سازمان دهنده جنبش کارگری آذربایجان نام داده‌اند، صمد محبوب سازمان، محبوب کارگران بود.

صمد در سازماندهی انتشارات مخفی شاخه و در توزیع، نقش درجه اول بازی می‌کرد.

سازماندهی چاپخانه مخفی مستقیماً بر دوش او بود و توزیع همده را خود او انجام می‌داد. در نتیجه مساعی صمد، علیرغم تمام تلاش‌های دشمن، انتشارات مخفی سازمان در تبریز از ضربه دشمن مصون ماند.

کمیته کارگری که صمد در راس آن بود، در سال ۵۹ با افزوده شدن چند رفیق دیگر به کمیته شهر تبریز تبدیل شد. کنفرانس ایالتی آذربایجان که در همین سال تشکیل شد، او را به اتفاق آرا به عضویت در کمیته ایالتی آذربایجان انتخاب کرد. در انتخابات کمیته به عنوان عضو هیئت اجرایی کمیته ایالتی برگزیده شد. او دبیر دوم ایالت، دبیر اول کمیته ولایتی تبریز، مسئول شعبه تشکیلات ایالت و...

بود در سال ۶۱ از طرف هیئت اجرایی کمیته آذربایجان به نامزدی عضویت در کمیته مرکزی معرفی گشت و سپس به عضویت دومین کمیته مرکزی پذیرفته شد. تا ضربات اوایل سال ۶۲ بطور خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی به وظایف انقلابی خویش عمل کرد.

در مقطع ضربات سال ۶۲ او همچون مادری که زاده خویش را در خطر هلاکت ببیند، تمام تلاش خود را به کاربرد تا سازمان را از زیر ضرب خارج سازد. در اوایل سال ۶۲ ناگزیر در کرج مستقر شد، مسئولیت آذربایجان را بردوش گرفت. او سپس به تهران رفت و در آن شرایط خطیر، تشکیلات سازمان را در آذربایجان و شمال هدایت نمود.

دشمن که از حساسیت نقش او در سازمان مطلع بود، با وسواس برای دستگیری‌اش تلاش می‌کرد. او بارها از چنگ مزدوران رژیم گریخت.

مطلع سال ۶۲ از فرازهای برجسته زندگی صمد بود. او مظهر اتحاد به نفس، شجاعت، هشیاری و فداکاری بود. او با رفتار خویش، روح پایداری را در رفقایش می‌دمید. بیش از جان خویش در اندیشه حفظ جان رفیقانش بود. بارها بر سر قرار مشکوک می‌رفت، تا رفیق دیگر را از آلودگی قرار مطلع سازد، بارها قبل از اجرای قرار رفقایش، محل قرار و مسیر حرکت رفقایش را چک می‌کرد تا همزمانش مورد هجوم دشمن قرار نگیرند. او مدام می‌گفت: "هیچ دوست ندارم دستگیر شوم ولی اگر روزی دستگیر شدم می‌خواهم به دژ خیمان بفهمانم که افسانه "پیچ اوین" چقدر"

پیروز احیاء

رزمندهای استوار و پیگیر

از آن بدیرنعام غریبید ارند
که آتشکیم نمیر و بهیسه در دل ماست



فدایی خلق پیروز احیاء در سال ۱۳۳۴ در شهر تهران در یک خانواده زحمتکش دنیا آمد. شرایط سخت زندگی از وی انسانی سخت کوش پرورده بود. از همان سنین نوجوانی طعم تلخ محرومیت های اجتماعی و ظلم و ستمی را که رژیم ستم شاهی بر مردم ماروا میداشت، چشیده و با هم و در میلیون ها انسان زحمتکش آشنا گردید. هوش و ذکاوت رفیق، وی را در دوران تحصیل در زمره شاگردان ممتاز قرار داده و به همین جهت در سال ۵۲ جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه علم و صنعت تهران گردید و در رشته مهندسی

برق مشغول تحصیل شد. از همان سال ضمن آشنایی با سازمان فعالیتهای صنفی دانشجویان شرکت فعال نمود و بعدها در سازمان دادن کتابخانه دانشگاه و گروه کوهنوردی نقش موثری ایفا نمود. در سال ۵۶ به علت فعالیت های صنفی - سیاسی از طرف گزمنگان ساواک مورد شناسایی قرار گرفت و بازداشت گردید.

در جریان انقلاب بهمن ۵۷، ضمن سازماندهی حرکت های اعتراضی، همراه با توده های قیام کننده مردم در تسخیر دژهای مزدوران شاه شرکت فعال نمود.

بی معنی است. می خواهم به آنها بفهمانم که کمونیست های ایران تا پای جان از آرمانشان دفاع می کنند. مرگ را می پذیرند و خفت و ذلت را هرگز."

فعالیت فوق العاده صمد، حساسیت نقش او، شجاعت، بی باکی بیش از حد او، از یک طرف و تلاش پلیس برای دستگیری او سرانجام به دستگیری اش انجامید. او در تاریخ ۲۹ بهمن سال ۶۲ در تهران، در سر قرار، دستگیر شد. و از این لحظه برگ دیگری در حیات این انقلابی بزرگ گشوده شد.

رژیم پس از دستگیری او بلافاصله و حشیانه ترین شکنجه ها را در مورد او به کار گرفت. ولی جواب صمد "نه" بود. از دهها قرار، از دهها امکان - که حتی می دانست تخلیه هم شده اند... از اطلاعات وسیع سازمانی او، پلیس حتی به یکی راه نیافت. ۹ ماه پس از بازداشتش که خبر دستگیریش به خانواده اش داده شد، روشن شد که جز نام و نام فامیل و تعلق سازمانی اش چیز دیگری نگفته است. جلادان پیکر مقاومش را زیر شکنجه می دریدند، ولی او به پیمانش با خلق و سازمان پشت نکرد. او که همواره در خطر اعدام بود، بی آرام و قرار مبارزه را حتی در شکنجه گاه ها پی گرفت. او را بارها با اسیران شکسته که اطلاعاتی از او داشتند - روبرو کردند ولی نصایح شکسته گان

اراده او را سست نکرد. صمد از آخرین آزمون انقلابی سرفراز بیرون آمد. پیکرش را صدها بار درهم دریدند ولی روحش تسلیم ناپذیر باقی ماند. او در تمام اعتصابات سال ۶۶ و در تمام جنبش زندانیان سیاسی تا لحظه شهادتش، از صاحبان اتوریت و نفوذ و از سازمانگران اصلی بود. زندانیانی که صمد را در این سالها دیده اند، از صمد به عنوان "یک کوه" یاد کرده اند.

صمد در پاییز سال ۶۷ به همراه یاران دیگرش به دست جلادان رژیم جمهوری اسلامی ایران به خون فلتید. انسانی شریف، فحوار دوستان، انقلابی ای شجاع و سخت کوش و فداکار، گوهری کمیاب از گهرهای جنبش از هیان مارفت-انسانی شریف، سازمانده بر جسته، کمونیستی خستگی ناپذیر و بی قرار، رهبر کارگران تبریز، فاتح زندانهای خمینی، رازدار خلق و سازمان، فرزند دلاور شهر پولادین تبریز، پاسدار سنت دلاوری های بابک و ستار و حیدر، رفیق صمد اسلامی طاهری جاودانه شد.

فداییان خلق و کارگران تبریز - آنگاه که از جنبش سخنی به میان آید، صمد را یاد خواهند کرد و با افشاندن اشکی مشتها را گره خواهند کرد. یاد او الهام بخششان خواهد گشت. گرمی باد یادش پر رهرو باد راهش.

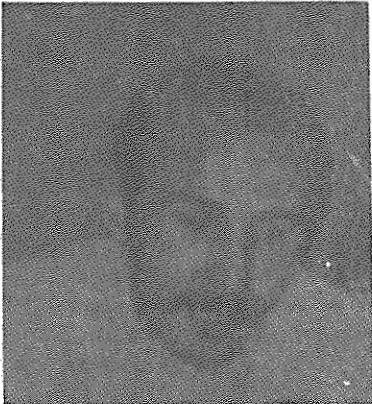
بعد از انقلاب ضمن سازماندهی دانشجویان هوادار سازمان، در ستاد دانشجویان پیشگام در کمیته کارگری به فعالیت پرداخت. در این سالها ر. پیروز هم بخاطر تماس هرچه نزدیکتر با مردم و هم برای امرار معاش در کنار مبارزه و تحصیل در دانشگاه، به عنوان دبیر پیمانی در محلات جنوب شهر مشغول تدریس شد. آشنایی همیق با درد و اندوه زحمتکشان جامعه و ظلم و ستمی که بر آنها رفته بود، همراه با احساسات همیق انسانی، ایثارگری و چهره مهربان و خندانش از وی چهره ای محبوب در میان همکاران و شاگردان مدرسه ساخت. او به دانش آموزان ضمن آموزش علم، درس مبارزه و زندگی می آموخت. بهمین خاطر پس از فاجعه "انقلاب فرهنگی" به علت فعالیت های سیاسی هم از تحصیل در دانشگاه و هم از تدریس در مدارس ممنوع گردید و بیکار شد، و در این دوره رفیق ناچار شد که برای امرار معاش به هر کاری بپردازد.

در سال ۶۶ دستگیر گردید و مدتی در تهران زندانی شد. پس از

آزادی کار پیگیر مبارزاتی خود را دنبال کرد. در سال ۶۲ در گروه های مخفی سازمان در تهران سازماندهی گردید. فعالیت انقلابی و پرثمر رفیق در این دوره تا شهریور ۶۵ ادامه داشت و یکدم از مبارزه در راه آزادی و بهروزی مردم و در راه انشای سیاست های خائنانه جمهوری اسلامی فروگذار نکرد. در مهر ۶۵ در حالیکه در تورجانبیکاران ساوامایی رژیم قرار گرفته بود همراه با همسر و فرزندش دستگیر شد و پس از چندی در دادگاه به هفت سال زندان محکوم گردید. اما بالاخره پس از دو سال زندان در قتل هام زندانیان سیاسی، رفیق پیروز را بخاطر دفاع از شرافت و انسانیت و به خاطر هشق بیدریش به انسانهای زحمتکش و اعتراض به تبعیذاتی های اجتماعی و به علت پایبندیش به آرمانهای والای طبقه کارگر و حفظ اسرار سازمانش، همراه صدها انقلابی و مبارز پاکباز تیرباران کردند. اما یاد شرافت و انسانیت او، ایثار و فداکاریش، راه و رسم زندگی و مبارزه اش از دل مردم زحمتکش و خاطر دوستان و آشنایانش هرگز نخواهد رفت.

محمد حسن دیانک شوری

فرزند مبارز خلق



ساواک شاه هیچگاه ارتباطات او را با سازمان فدایی کشف نکرد. پس از آزادی از زندان در سال ۵۵، بلافاصله گروهی هوادار سازمان که بسیار متکشل و قدرتمند بود را بنیان نهاد و هدایت کرد. اعلامیه‌ها و جزوه‌های این گروه نه فقط مناطق شمالی کشور، بلکه حتی تهران را هم می‌پوشاند.

رفیق دیانک شوری پس از انقلاب در شعبه مرکزی کارگری سازمان به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و با استعداد برجسته‌ای که از خود نشان داد از کادرهای بسیار مطمئن و قابل اتکا دستگاه رهبری سازمان شد. سال ۵۶ برای تحکیم کمیته ایالتی خوزستان به منطقه اعزام شد و نقش برجسته‌ای در تجدید سازمان کمیته خوزستان بازی کرد.

رفیق منصور پس از ضربات

محمد حسن دیانک شوری (منصور) از میان خانواده‌ای زحمتکش برآمده بود. زندگی خانواده و مردمی که او در میانش می‌زیست، نخستین مکتب او برای مبارزه انقلابی بود. منصور با یک کوله بار فنی از تجارب زندگی در میان مردم، پایه میدان مبارزه نهاد. خلق و خو، عادات و رفتاری که در آن سال‌ها کسب کرده بود، عامل موفقیت بسیار جدی او در نزدیکی با زحمتکشان بود. علاوه بر این زیرکی و استعداد برجسته‌ای که داشت او را به سرعت در زمره مبارزان استوار جنبش انقلابی ایران درآورد. هنگامی که در روستاهای آذربایجان سپاهی دانش بود، به دلیل فعالیت آگاهگرانه در میان نوجوانان روستا دستگیر، محاکمه و به ۵/۱ سال حبس محکوم شد. اما

سال ۶۲، از جمله نیروهای اصلی تشکیلات فدائیان در این دوره بود به حق که با سرفرازی و کارنامه‌ای درخشان از این آزمون دشوار سربلند پیرون آمد.

به پاس این خدمات ارزنده پلنوم کمیته مرکزی سازمان در فروردین ۶۵، رفیق منصور را به عضویت مشاور کمیته مرکزی سازمان برگزید.

رفیق محمد حسن دیانک شوری (رفیق منصور) برای یکی از آشنایانش در خارج کشور نوشته شد.

نامه‌ای را که در زیر می‌خوانید و کلیشه آنرا در همین صفحه مشاهده می‌کنید در سال ۴۴ توسط

با سلام گرم و آرزوی موفقیت، نامه باصفای شما بدستم رسید. صمیمانه آرزو مندم که همیشه شاد و سربلند باشید. حدود ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ مرداد مقابل ماما صوفی نهشته‌ام و این سطور را می‌نویسم. گرمای هوا آخرین سگدوها را می‌زند و خنکهای شهریور نزدیک است، اما پایه پای خنکی هوا، کارزار علیه آفتابان هوام فریب دمبدم گرمی بیشتری می‌گیرد. هول و هراس‌های یکساله و اندی، شتابزدگی‌ها، پاهور دگی‌های فصل شکست، جای خود را نرم ترک به انجمام و تلاش و امیدواری زندگی بخش می‌دهد، آفتابان تازه می‌فهمند که نه این عقاب‌ها را شکار نتوان کرد، میتوان زخمی زد، بالی شکست، کسی یا کسانی را از گردونه خارج کرد اما با قطع شاخه‌ها، جنگل که نمی‌میرد. و اینهمه تازه اول عشق است. تاریخ در کوره نبرد زحمتکشان پاسخ دندان شکنی به این انقلاب فروشان ردل خواهد داد، فردا که زمزمه‌های خشم‌الوداین مردم به سرود شکوهمند میلیونی بدل شد، اینها هم مانند سلف ملعون شاهنشاهی خواهند فهمید که نه این قافله راسر باز ایستادن نیست. گیرم که خیل عظیم دیگری قربانی شوند، مگر راه دیگری وجود دارد؟! در اندرون سیاهچالها نیز دیگر فقط یاس و شکستن نیست، حماسه‌های خونین ایستادگی چنان جان می‌گیرند که تازیانه‌ها نیز شرم آگینند سر همت کبیری قهرمان، خاطره روز به رازنده می‌کند و حیدر مهرگان عظمت و ارطان هار، کریمی‌ها، تابان‌ها پرچم ظفرمند جزئی‌ها را برافراشتند و این دژ خیم است که همچنان لایه می‌کند و هجز و ناتوانی می‌فروشد. در کارخانه‌ها مبارزه برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار مردم شدت بیشتری می‌گیرد (آخرین نمونه تیپیک، مبارزه کارگران کاتادارای برای افزایش دستمزد که آخرین خبر حاکی از کشته و زخمی شدن چند کارگر است و هراسناکی رژیم) قیامت این جنگ لعنتی هر روز بیشتر از پیش نزد زحمتکشان میهن آشکار می‌شود و زمامداران در بن بست سیاست‌های ضد مردمی خود دست و پایی می‌زنند، گرانی بیداد می‌کند و مسئله حجاب این مله‌به همیشگی هوام فریبی‌های آفتابان این بار چنان آبروی نداشته‌ای بر باد داد که خودشان هم به شوری این آتش اقرار کردند. اوراق انقلابی کم کم از نایابی و کمیابی بدر می‌آیند و گمشده‌های یکدیگر را می‌یابند و یگانگی و رفتن و ...

سلام بر شما که در این روزگار سخت و دشوار، با وجود تمام مشکلات و سختی‌ها، همچنان با شوق و اشتیاق در راه مبارزه ایستاده‌اید. امیدوارم که در این راه، با کمک و یاری خداوند، به مقاصد خود برسید. این نامه را به شما می‌نویسم تا بدانید که ما در این راه، با شما هستیم و با شما می‌جنگیم. امیدوارم که در این راه، با کمک و یاری خداوند، به مقاصد خود برسید. این نامه را به شما می‌نویسم تا بدانید که ما در این راه، با شما هستیم و با شما می‌جنگیم.

مذاکرات معاون

بقیه از صفحه آخر

تاس می افزاید این موضع با موضع سرسختانه گروه های مستقر در پاکستان تفاوت کیفی دارد.

در کابل، پلنوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان برگزار شد و بار دیگر بر آمادگی این حزب برای تقسیم قدرت با گروه های مخالف مسلح، تاکید کرد. نجیب الله رئیس جمهوری افغانستان در آخرین روزهای سال ۱۹۸۸، به اپوزیسیون مسلح افغانی پیشنهاد کرد از روز اول ژانویه (۱۱ دی ماه) در افغانستان آتش بس برقرار شود. گروه های افغانی مستقر در پاکستان، بلافاصله این پیشنهاد را رد کردند. بدنبال مخالفت این گروه ها با آتش بس، در هفته گذشته نبرد میان ارتش افغانستان و ضدانقلابیون شدت گرفت.

در اسلام آباد، یولی وورونتسوف فرستاده شوروی اعلام کرد در صورت عدم برقراری آتش بس در افغانستان، به پایان رسیدن خروج نیروهای شوروی تا ۱۵ فوریه، موعد پیش بینی شده در قرارداد ژنو، امکان پذیر نخواهد بود.

از سوی دیگر، در چارچوب مذاکرات جاری میان اتحاد شوروی و جمهوری اسلامی، که از جمله به مسئله افغانستان اختصاص دارد، هیئت سه نفره ای مرکب از جواد املی نماینده خمینی، لاریجانی معاون وزیر خارجه و مرضیه حدیدچی دباغ نماینده مجلس در روزهای ۱۳ و ۱۴ دی ماه در مسکو با مقامات شوروی و از جمله میخائیل گارباچف دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار، پیام شخصی خمینی به گارباچف، به وی تسلیم شد. لاریجانی در بازگشت از مسکو، ارسال پیام توسط شخص خمینی به گارباچف را "بسیار مهم" توصیف کرد و گفت در مناسبات دو کشور "فصل جدیدی" گشوده شده است.

بدواً بنظر می رسد که نامه خمینی به مناسبات سیاسی فیما بین دو کشور و مساله افغانستان مربوط باشد. اما با انتشار متن کامل نامه خمینی در روز یکشنبه ۱۸ دی آشکار شد که در این نامه اساساً به مباحث حوزه های پرداخته شد و طی آن خمینی از رهبر اتحاد شوروی خواست "در باره اسلام به صورت جدی فکر و تفحص" کنند!



فدائی خلق

سعید کاظمی

استوار همچون کوه

تعاونی قدرت سازمانگری خود را نمایان سازد. بدنبال دستگیری رفیق مهرزمش محمد دریاباری، وظایف و مسئولیت های فدائی خلق سعید کاظمی از همیشه سنگین تر شد. ساواک خمینی که به فعالیت های این رفیق رزمنده ظنین بود در تیرماه ۶۴ او را دستگیر و تحت بازجویی قرار داد. اما رفیق سعید این بار توانست از چنگ آنها نجات یابد و کمی بعد آزاد شد. ولی بالاخره در اردیبهشت ماه سال ۶۵ همراه با همسرش و مهرگان دختر خردسالش به دست گزمنه های رژیم اسیر شد. وی در زیر شکنجه های هولناک همانند یک فدایی خلق اسرار خلق را در سینه خویش حفظ کرد. در دادگاه او را به ۱۵ سال زندان محکوم کردند. تا بالاخره پس از نزدیک دو سال و نیم زندان، در مهرماه سال ۶۷ به جوخه اعدام سپرده شد و فدایی خلق سعید کاظمی، سعید کوه در راه زحمتکشان و در راه آرمانهای و لایش جان باخت.

کردید. با آغاز فعالیت دانشجویان پیشگام در دانشکده علم و صنعت، او به مثابه یکی از سازمانگران دانشجویان پیشگام چهره محبوبی در میان دانشجویان این دانشکده بود. بعد از رویداد خونبار "انقلاب فرهنگی" سعید کوه از دانشکده اخراج شد. در این دوران وی برای امرار معاش ناگزیر بود کارهای مختلفی را پیشه کند، زمانی نجاری می کرد. زمانی سبزی فروشی و یا هر کار دیگری که پیش می آمد. اما در همین دوران شور و شوق او برای مبارزه مردم فروزانتر می شد. او با فروتنی انقلابی، تیزهوشی و کارائی و عشق به مردم مسئولیت های خطیری را در سازمان برعهده گرفت و به شایستگی انجام داد.

در سال سخت ۶۴ سعید کوه صلابت صخره آساز خود نشان داد. شکیبایی و خونسردی او در آن ایام، مثال زدنی است. در همین دوران بود که توانست در تعاونی مصرف کارکنان صنعت ساختمان به کار بپردازد و در نقش مدیر عامل

دوستان و همزمان فدایی شهید سعید کاظمی او را بنام "سعید کوه" می شناختند. علت این اشتباه به دوران فعالیت خستگی ناپذیر او در اتاق کوه دانشکده علم و صنعت برمی گردد. زندگی نشان داد که این صفت برازنده اوست و بیانگر یکی از خصوصیات ارزشمندش می باشد. او در پایبندی به آرمانهای والای انسانی خود تا به آخر سرسخت و استوار همچون یک کوه بر جای ماند.

سعید کاظمی در سال ۱۳۳۸ به دنیا آمد. بعد از پایان تحصیلات متوسطه، آموزش عالی را در دانشکده علم و صنعت تهران آغاز کرد. از همان بدو ورود در فعالیت های صنفی دانشکده شرکت فعالی داشت. بویژه در "اتاق کوه" فعالیت خستگی ناپذیری می کرد. در ادامه فعالیت های صنفی و در پیوند با آن، مبارزه سیاسی را پی گرفت او که سرشار از عشق به مردم رنج دیده بود، به مواد ثابت قدم سازمان بدل

آن مشکوک بود و درست در همین قرار دستگیر شد.

پلیس که از نقش منصور در تشکیلات مخفی سازمان مطلع بود، وسیع ترین فشار و شکنجه ها را بر وی وارد آورد. اما قامت استوار رفیق ارزنده مادر برابر این فشارهای بهیمی، خم نشد. سرفراز در مقابل این جانوران ایستاد و از شرف و حیثیت خود، سازمانش و

در ماه های پس از پلنوم، منصور همواره یکی از هدف های اصلی تعقیب و مراقبت ساواک خمینی بود. با دهم بار ضد تعقیب و گریز از تور گسترده و محکم پلیس، مزدوران رژیم را دیوانه کرده بود.

سرانجام در تابستان ۶۵ بر سر قراری حاضر شد که نسبت به سلامت

مهرزمانش جانانه دفاع کرد. رفیق محمدحسن دیانک شوری که در طول ۱۵ سال مبارزه، به کادری قدرتمند در صفوف فداییان تبدیل شده بود، هدف کینه توزی گزمنه های خونخوار رژیم قرون وسطایی خمینی قرار گرفت و جان پاکش را بر سر آرمان نهاد.

جلوه‌هایی از حرکت‌های افشاگرانه در کشورهای مختلف:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

اسپانیا

اشغال دفتر هواپیمایی

جمهوری اسلامی در مادرید

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی، در روز ۹ دسامبر ۱۹۸۸ دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در مادرید توسط هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران و جوانان کمونیست اسپانیایی اشغال شد.

دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه صبح به اشغال درآمد. شرکت‌کنندگان در این اعتراض، با اقدام خود توجه زیاد رسانه‌های گروهی را به جنایات خمینی جلب کردند. خبرنگاران تلویزیون اسپانیا و چند فرستنده رادیویی بلافاصله در محل حضور یافتند و با تکی چند از حاضران به مصاحبه پرداختند. از پنجره دفتر هواپیمایی که در طبقه یازدهم ساختمان بلندی در مرکز مادرید واقع است، پلاکارد بزرگی به ارتفاع ۳۰ متر با شعار "هلیه کشتار زندانیان سیاسی در ایران" آویزان شد. در پایین، در مقابل ساختمان تعدادی از هموطنان ما و نیز اعضای سازمانهای مترقی اسپانیایی با پخش اعلامیه و بدست گرفتن پوستر و پلاکارد، توجه هابران را به قتل هم‌زندانان سیاسی ایران جلب کردند.

خبر اشغال دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی همان روز از برنامه‌های تلویزیون مادرید، رادیوی ملی اسپانیا و چند فرستنده دیگر پخش شد. در همان روز به مناسبت چهلمین سالگرد صدور اعلامیه حقوق بشر، تلویزیون سراسری اسپانیا برنامه ویژه خود در اخبار شامگاهی را به نقض حقوق بشر در ایران و کشتار زندانیان سیاسی اختصاص داد. در این

گزارش‌های همسایه گرفته شده از گورهای جمعی در خاروان نشان داده شد. مجری برنامه، یکی از مسئولان جمعیت دفاع از حقوق بشر اسپانیا، از دولت این کشور خواهان واکنش متناسب در قبال کشتار زندانیان در ایران شد. روزنامه اسپانیایی "ال پائیس" که دارای شهرت بین‌المللی است، با چاپ همگی از یک گور جمعی در خاروان، اعدام صدها تن از اعضای سازمان ما و سایر نیروهای چپ و نیز سازمان مجاهدین خلق را بازتاب داده است.

کلوپ هواداران یونسکو در اسپانیا با ارسال نامه به همه اعضای خود خواستار اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی ایران شده است. این کلوپ همچنین با پخش اعلامیه در تظاهرات ۵۰۰ هزار نفره مادرید در روز ۱۶ دسامبر، از مردم اسپانیا خواست جنایات در زندانهای ایران را محکوم کنند.

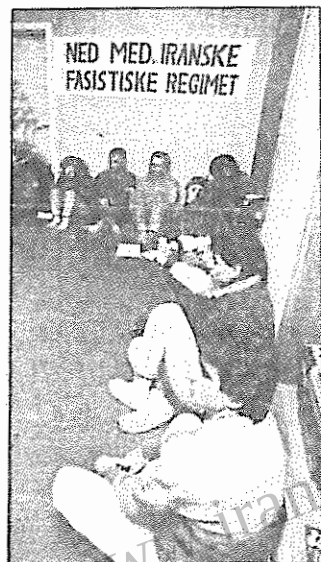
تعدادی از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های اجتماعی اسپانیا با ارسال نامه‌ای اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی خواستار پایان دادن به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی و اعزام هیاتی برای بررسی فاجعه به ایران شده‌اند. در میان امضاکنندگان این نامه، اسامی رافائل آلبرتی شاعر نامدار، آنتونیو گالا، گابریل سلاوا و کارلوس پادیس، نویسندگان پرآوازه اسپانیا و نیز آنتونیو گوتیرز دبیرکل کمیسیون کارگری و تنی چند از دیگر شخصیت‌های مشهور این کشور، دیده می‌شود.

نروژ

اعتراض ایرانیان به جنایات خمینی

تظاهرات با حمل شعارهای بزرگ نویسی شده به زبان نروژی همراه بود.

مسیر تظاهرات از یکی از پررفت و آمدترین خیابان‌های اسلو به سوی سفارت جمهوری اسلامی بود. شرکت‌کنندگان در راهپیمایی با حمل مشعل‌هایی، توجه مردم را به خود جلب کرده بودند و شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از زندانیان سیاسی ایران می‌دادند. هنگامی که صف تظاهرات به سفارت جمهوری اسلامی نزدیک شد، صدای شعارها رسا و رستار شد. پلیس نروژ از توقف راهپیمایان در برابر ساختمان سفارت جلوگیری کرد و با کمک اسب و از طریق هل دادن راهپیمایان، آنها را به جلوراند تاز جلوی ساختمان سفارت دور شوند. در راهپیمایی اسلو، دبیرکل حزب کمونیست نروژ نیز شرکت داشت. روزنامه‌های نروژ اقدامات اعتراضی ایرانیان و جنایات رژیم را بازتاب دادند. عکس این صفحه برگرفته از روزنامه‌های این کشور و مربوط به یک حرکت اعتراضی در اسلو است.



شامگاه شنبه ۱۰ دسامبر، شهر اسلو پایتخت نروژ شاهد راهپیمایی جمعی از ایرانیان مقیم این کشور تحت عنوان "اعتراض به اعدام‌های زندانیان سیاسی در ایران" بود. در این تظاهرات، حدود ۷۰ نفر از ایرانیان مقیم نروژ شرکت کردند.

بلژیک

مرگ بر خمینی!

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

فدا، ایرانیان آزادیخواه با حضور در محل، انزجار خود را از جنایات رژیم خمینی ابراز داشتند. همچنین نماینده سازمان جوانان کمونیست بلژیک، نمایندگان اتحادیه کارگران ترک، هدای از یونانیان مقیم بلژیک، دبیر جنبش ضدژادپرستی در بلژیک، دبیر

از روز دوشنبه ۱۹ دسامبر، به دعوت "انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک"، اعتصاب غذای پنج روزه‌ای در اعتراض به فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در یکی از کلیساهای بروکسل پایتخت بلژیک آغاز شد. خبر اعتصاب فذا در سه روزنامه بلژیک منعکس شد. در طول مدت اعتصاب

سوئد اقدام اعتراضی

ایرانیان مقیم سوئد سوال

یکی از دبیران مدرسه خبرنگاری از یک روزنامه به محل آمد و مصاحبه‌ای با یکی از ایرانیان ترتیب داد. خبر این حرکت در شماره بعد روزنامه درج شد.

اقدامات اعتراضی هموطنان در سوئد بازتاب گسترده‌ای داشته است. هکس‌زیر بر گرفته از یکی از روزنامه‌های سوئد است که یکی از اجتماعات اعتراضی ایرانیان را نشان می‌دهد.

در روز ۹ دسامبر ۱۹۸۸، هدهای از ایرانیان مقیم شهر سوئد سوال سوئد که در مدرسه بزرگ لندن به آموزش زبان سوئدی مشغولند، از حضور در محل کلاسها خودداری کردند و با تهیه پلاکار دو نصب تصویری از یک گور جمعی و شعارهایی به زبان‌های سوئدی و فارسی در محوطه مدرسه دست به تظاهرات زدند. ساهتی پس از شروع تظاهرات، با اطلاع تلفنی

خارجه، پارلمان، احزاب سیاسی، سازمان‌های صلح‌دوست و دمکراتیک، شخصیت‌ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و رسانه‌های گروهی خواهان اعتراض این محافل به فجایعی که در ایران می‌گذرد شده‌اند.

در روز چهارشنبه ۲۱ دسامبر نیز "انجمن دانشجویان و پناهندگان سیاسی ایرانی در بلژیک" تظاهرات استادهای در برابر سفارت رژیم در بروکسل سازمان داد. در این تظاهرات، علاوه بر ایرانیان آزادیخواه، هدهای از مردم بلژیک نیز حضور داشتند. در این تظاهرات شعارهایی مانند "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" و "مرگ بر خمینی، زنده باد آزادی!" بیانگر خشم و انزجار شرکت‌کنندگان بود.

در روز جمعه ۲۳ دسامبر، تظاهرات استادهای در اعتراض به اعدامهای اخیر در بروکسل برگزار شد. در این تظاهرات استادهای علاوه بر فدائیان خلق و توده‌های نمایندگان از هواداران احزاب کمونیست ترکیه، یونان و شیلی نیز حضور داشتند.

انجمن فعالیت‌های اجتماعی برای صلح در بلژیک، انجمنهای مذهبی و گروهی از شهروندان بلژیکی با حضور در محل اعتصاب غذا همبستگی خود را با مردم ایران و زندانیان سیاسی اعلام داشته، خشم و نفرت خود را از جنایات رژیم جمهوری اسلامی ابراز کردند. در روز پایانی اعتصاب غذا، دسته‌گلهایی از سوی اعتصابیون به گروهی از بستگان زندانیان سیاسی که عزیزان خود را در کشتار اخیر از دست داده‌اند، تقدیم شد. در قطعنامه پایانی اعتصاب غذا آمده است "اعمال ضدبشری خمینی یادآور کشتارهای نازیسم در اردوگاههای مرگ است". اعتصابیون خواهان قطع فوری اعدام و شکنجه، بازدید هیاتی بین‌المللی از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی، بازتاب هرچه وسیع‌تر نقض فاحش حقوق بشر در ایران از طریق مجامع بین‌المللی و رسانه‌های گروهی در سطح جهان و آزادی بی‌قید و شرط زندانیان سیاسی ایران شده‌اند.

انجمن پناهندگان ایرانی در بلژیک همچنین با ارسال نامه‌هایی برای نخست‌وزیر، وزیر امور

نامه به مقامات بلژیک

این کشور ضمن اشاره به اعدامهای جمعی در ایران به مسئولیت دولت بلژیک در اعتراض به این جنایات اشاره کرده است. روزنامه "لالیره بلژیک" پرتیراژترین روزنامه صبح این کشور در شماره ۱۴ دسامبر خود در مقاله‌ای به موج اعدامهای سیاسی در ایران پرداخت.

لویی وان گیت دبیر کل حزب کمونیست بلژیک در رابطه با اعدامهای اخیر ایران نامه‌ای به وزیر امور خارجه این کشور نوشت و خواهان اقدام دولت بلژیک در جهت متوقف کردن فوری این سرکوب خونین شد. همچنین اریک رماکل رهبر سازمان جوانان کمونیست بلژیک در نامه‌ای خطاب به وزیر خارجه



دانمارک

اقدامات اعتراضی ادامه دارد

برابر سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. در قطعنامه تظاهرات آمده است: "یکی از حربه‌های موثر در بازداشتن جمهوری اسلامی از ادامه کشتارها و نقض خشن حقوق بشر در ایران، تلاش در به‌انزو اکشاندن این رژیم جنایتکار با فشارهای سیاسی و اقتصادی به آن است. ما می‌خواهیم مردم دنیا بدرستی از جنایات هولناکی که در بقیه در صفحه بعد

در "اکثریت" شماره ۲۳۹، خبر تظاهرات ۱۶ دسامبر جمعی از ایرانیان به سوی سفارت جمهوری اسلامی در کپنهاگ را درج کردیم. از دانمارک خبرهایی در مورد اقدامات دیگر هموطنانمان به دست ما رسیده که به قرار زیر است:

در روز جمعه ۹ دسامبر تظاهرات اعتراضی گسترده‌ای با شرکت چند صد نفر از ایرانیان در

یونان

تظاهرات علیه اعدامهای جمعی

خبرنگاران در روزنامه با حضور در محل تظاهرات استادهای، با چند تن از سازماندهان تظاهرات مصاحبه‌هایی انجام دادند.

روزنامه "ریزوس پاستیس" ارگان حزب کمونیست یونان گزارش‌هایی در مورد کشتارهای اخیر در زندانهای ایران و نیز هکس‌هایی از یک گور جمعی در خاوران را چاپ کرده است.

یکی از خیابانهای مرکزی آتن پایتخت یونان در روز جمعه ۱۶ دسامبر شاهد تظاهرات جمعی از دانشجویان و پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم این کشور علیه اعدامهای جمعی در ایران بود. تظاهرکنندگان با پخش اعلامیه و خواندن متن‌هایی از بلندگو، توجه رهگذران را به جنایات هولناکی که اخیراً در زندانهای ایران صورت گرفته است جلب می‌کردند.

جلوه‌هایی از ...

ایران روی می‌دهد آگاهی یابد. در روز دوم دسامبر نیز گروه بزرگی از ایرانیان با تحصن در برابر پارلمان دانمارک خواستار این کشور جهت محکومیت جمهوری اسلامی شدند. نمایندگان تحصن، با حضور در پارلمان و ملاقات با نمایندگان احزاب، به انشای جنایات رژیم خمینی در زندانها پرداختند.

در روز ششم دسامبر گروهی از ایرانیان با اجتماع در برابر وزارت امور خارجه دانمارک به مسافرت

معاون وزیر امور خارجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به دانمارک اعتراض کرده خواهان محکومیت قتل عام زندانیان سیاسی ایران از سوی دولت دانمارک شدند.

در روز هفتم دسامبر اقدام اعتراضی دیگری در برابر ساختمان رادیوی دانمارک به دلیل عدم انتشار اخبار جنایات خمینی از سوی رسانه‌های گروهی دانمارک برگزار شد.

اقدامات اعتراضی در دانمارک توسط "هیأت موسس جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران" سازماندهی می‌شود.

رژیم شاه و روابط مخفیانه دولت ریگان و رژیم خمینی پرداخت وی سپس اخباری از جنایات هولناک اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی را به اطلاع حاضران رساند.

شرکت کنندگان در کنفرانس، با امضای کارتهای همبستگی با زندانیان سیاسی و اعتراض به مقامات جمهوری اسلامی، خواهان توقف فوری اقدامهای جمعی و آزادی همه زندانیان سیاسی ایران شدند.

افشای جنایات خمینی

در تظاهرات سالگرد قیام خلق فلسطین

پخش شد، هکسهای بزرگ شده اجساد زندانیان سیاسی در گورهای جمعی به معرض نمایش گذاشته شده بود و متون توضیحی پیرامون این جنایات فجیع بین شرکت کنندگان پخش شد. شرکت کنندگان در تظاهرات با مشاهده هکسها، تنفر و انزجار خود را از رژیم جمهوری اسلامی ابراز کرده با امضای طومار و کارتهای اعتراضی، همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام داشتند.

در تظاهرات بزرگی که با شرکت بیش از هزار نفر به مناسبت گرامیداشت و اعلام همبستگی با قیام یکساله خلق فلسطین در شهر لس‌آنجلس برپا شده بود، "کمیته صلح و دموکراسی در ایران" که از برگزار کنندگان این تظاهرات بود، به انشاگری در مورد اقدامهای جمعی در ایران پرداخت.

در این تظاهرات که گزارش آن از چندین کانال تلویزیونی و رادیویی لس‌آنجلس

راهپیمایی به سوی کاخ سفید

نامه‌ای از بستگان زندانیان سیاسی پخش می‌شد. در این نامه از مردم خواسته شده است با نوشتن نامه به مسئولان جمهوری اسلامی خواهان "قطع اقدامات، اجازه ملاقات خانواده‌ها با بستگان زندانی خود و داشتن رفتار انسانی با زندانیان" شوند.

روزنامه واشنگتن پست در شماره ۱۹ دسامبر خود در مقاله‌ای به موج اقدامهای اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی اشاره کرده است.

در روز شنبه ۱۷ دسامبر به دعوت "کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران" یک راهپیمایی در اعتراض به کشتار اخیر در واشنگتن پایتخت آمریکا برگزار شد. این راهپیمایی از یکی از میدانهای اصلی شهر آغاز و به مقابل کاخ سفید ختم شد. شرکت کنندگان در راهپیمایی شعار می‌دادند: "قتل عام زندانیان سیاسی را قطع کنید! به شکنجه‌ها پایان دهید!"

در طول راهپیمایی، ترجمه

تظاهرات

در دفاع از زندانیان سیاسی ایران

با مردم ایران " صورت گرفت شماری از ایرانیان و شهروندان آمریکایی حضور یافتند. لیندا لاتز مسئول سازمان سراسری "کمیته دوستان آمریکایی" در این تظاهرات طی سخنانی، همبستگی خود و سازمانش را با زندانیان سیاسی ایران اعلام کرده، خواهان لغو فوری کلیه احکام اعدام و آزادی زندانیان سیاسی ایران شد.

روز ۱۵ دسامبر در شهر لس‌آنجلس به دعوت ائتلاف بین‌المللی حقوق بشر (که برگزار کننده کنفرانس حقوق بشر در این شهر بود) تظاهراتی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران در برابر ساختمان فدرال لس‌آنجلس برگزار شد. در این تظاهرات که با شرکت "کمیته صلح و دموکراسی در ایران" و "کمیته همبستگی

محکومیت جمهوری اسلامی

در کنفرانس حقوق بشر

روژه‌ای در محل کالج شهر لس‌آنجلس آمریکا برگزار گردید. در این کنفرانس، علاوه بر سخنرانی

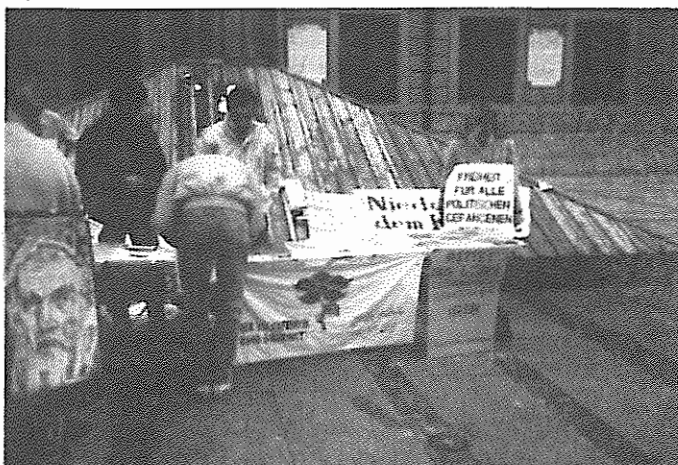
به مناسبت گرامیداشت چهلین سالگرد صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنفرانس یک

آلمان فدرال

انشاگری در شهر مونیخ

رژیم خمینی را افشا کردند. رهگذران با زندانیان سیاسی ایران ابراز همبستگی کرده و اکثرا خمینی را به‌عنوان درنده‌خویی همچون هیتلر توصیف می‌کردند.

فدائیان خلق (اکثريت) در شهر مونیخ در روز ۲۶ نوامبر در یک نقطه پر رفت و آمد اجتماع کرده و با برپایی یک میز، حمل پلاکارهای متعدد، پخش وسیع اعلامیه و توضیحات شفاهی جنایات



رهگذران خمینی را با هیتلر مقایسه می‌کنند.

قطعنامه پارلمان آلمان فدرال درباره اعدامهای اخیر ایران

ملل درباره اوضاع در ایران مبتنی است، رای مثبت دهد. ۴ پارلمان آلمان می خواهد همچنان از نفوذ خود نزد دولت ایران استفاده کند، با این هدف که اعدامها و نقض حقوق بشر در ایران فوراً متوقف شود. همچنین از دولت فدرال آلمان می خواهد که بکوشد ایران به عنوان عضو سازمان ملل و پیمان بین المللی حقوق شهروندی و سیاسی برای تامین و حفظ حقوق بشر در ایران اعلام آمادگی کند. ۵ - پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می خواهد که ترتیبی دهد که کماکان هیچ ایرانی تحت پیگرد سیاسی که در حال حاضر در جمهوری فدرال آلمان به سر می برد، به ایران اخراج نشود و در صورت لزوم، جمهوری فدرال آلمان مضمون و محتوای اصل ۱۶ قانون اساسی را برای تعقیب شدگان سیاسی از ایران نیز رعایت و اجرا کند. ۶ - طرح قطعنامه فوق به امضای آلفرد درگر، تئو وایگل، هانس - یوخن فوگل و ولفگانگ میشنیک روسای سه فراکسیون نامبرده در بالا رسیده بود و به اتفاق آرا به تصویب پارلمان آلمان فدرال رسید.

به درخواست فراکسیونهای احزاب سوسیال دمکرات، مسیحی، سوسیال مسیحی و دمکرات آزاد در بوندستاگ (پارلمان) آلمان فدرال، این مجلس در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۸ قطعنامه ای درباره اعدامهای اخیر در ایران تصویب کرد که متن آن به دست ماریسیدو از قرار زیر است: ۱ - پارلمان آلمان فدرال اخیراً اخبار متعددی درباره شمار زیادی از اعدامها در ایران دریافت کرده است. پارلمان آلمان فدرال همه اعدامها به دلایل سیاسی را محکوم می کند و از ایران می خواهد به صدور احکام اعدام و اجرای آن به دلایل سیاسی، پایان دهد. ۲ - پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می خواهد همچنان از دولت ایران خواستار دادن امکان به فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد برای کسب اطلاع از اوضاع ایران با حضور در محل شود. ۳ - پارلمان آلمان فدرال از دولت فدرال آلمان می خواهد در سازمان ملل متحد به قطعنامه در مورد ایران که بر گزارش مامور ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان

بنام بشریت به قتل عام اعتراض کنید!



اعدام زندانیان سیاسی به ما می رسد. بنام بشریت تقاضا داریم: علیه کشتار جمعی زندانیان سیاسی در ایران اعتراض کنید! ۱ - قطع کشتار زندانیان سیاسی و آزادی بی قید و شرط آنها ۲ - لغو احکام اعدام ۳ - گزارشدهی کامل رادیو، مطبوعات و تلویزیون آلمان فدرال در مورد جنایات حکومت ایران. ۴ - افعال فشار همه دولتها و به ویژه آلمان فدرال بر دولت ایران تا هنگام بازرسی گورهای جمعی توسط هیات های مستقل بین المللی.

جمعی از پناهندگان سیاسی ایرانی در شهر کوبورگ آلمان فدرال در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در مرکز شهر گردآمدند و ضمن تظاهراتی ایستاده، به پخش اعلامیه ها و تراکتهایی در اعتراض به فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران پرداختند. خبر این اقدام در روزنامه "نویه پرسه" درج شد. در اعلامیه های به امضای پناهندگان سیاسی ایرانی در کوبورگ آمده است: "تا حد زیادی بدور از توجه افکار عمومی، در روزها و هفته های اخیر هزاران تن از زندانیان سیاسی در ایران اعدام شدند... هر روز اخباری از دستگیری های جدید، شکنجه و

اعتراض مقامات محلی شهر او فن بورگ

بورگ آمده است در اینجا نقض حقوق بشر اتچنان خشن است که تنها شدیدترین اعتراضات ملنی کارساز است... بالاترین معیار برای ما باید حقوق بشر باشد."

افشای جنایات رژیم خمینی در شهر اولتسن

در روز ۱۰ دسامبر در گردمایی برگزار شده از سوی سازمان هتو بین الملل چند تن از ایرانیان مبارز مقیم این شهر افشاکری موثری از رژیم جمهوری اسلامی از طریق قرائت یک بیانیه و پخش اعلامیه به عمل آوردند که توجه همه حضار را برانگیخت و در روزنامه محلی شهر به تفصیل بازتاب یافت.

مقامات محلی شهر او فن بورگ در جنوب آلمان فدرال، از جمله دکتر هانس یواخیم فلیدتر رئیس انجمن شهر، در نامه ای به وزیر خارجه آلمان فدرال به سفر کنش به ایران اعتراض کردند. در نامه اعتراضی رئیس انجمن شهر او فن

تظاهرات

در مونسترلند

جمعی از دانشجویان و پناهندگان مقیم مونسترلند در شهر مونستر همراه با بدهای از آلمانی ها و ترکهای آزادیخواه در روز ۹ دسامبر در حالیکه مشعل های برافروخته در دست داشتند، یک آکسیون اعتراضی برپا کردند که ۲۰ نفر از نئونازیست ها قصد برهم زدن آن را داشتند. همین امر توجه بیشتری را برانگیخت و موجب افشای بیشتر رژیم خمینی شد.

کانادا

آزادیخواهان!

نگذارید جنایات ادامه یابد!

هزاران آزادیخواه از هنگام برقراری آتش پس در زندانها اعدام شده اند. نام برخی از قربانیان فاش شده است. آزادیخواهان! نگذارید جنایات ادامه یابد!

از مردم ایران در مبارزه برای صلح، دمکراسی و پیشرفت حمایت کنید!

هواداران سازمان همچنین با شرکت در کنفرانس شهری حزب کمونیست کانادا در تورنتو، توجه حضاران را به فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران جلب کردند.

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کانادا فهرستی از اسامی برخی از زندانیان سیاسی اعدام شده در کشتار اخیر را به ضمیمه اطلاعاتی در اختیار افکار عمومی و رسانه های گروهی این کشور قرار داده اند. در اطلاعاتیه مزبور آمده است:

"رژیم جنایتکار ایران بدون کشتار نمی تواند به حیات خود ادامه دهد. بلافاصله پس از آتش پس میان ایران و عراق، دولت ایران آغاز به ارتکاب جنایات هولناک علیه زندانیان سیاسی کرد.

نگاهی به زمینه‌ها و چگونگی اعتصاب بزرگ زحمتکشان اسپانیا

بزودی حزب کمونیست اسپانیا و حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا کنگره وحدت خود را برگزار خواهند کرد. وحدت دو حزب قطعاً گام مهمی در جهت تقویت جنبش کارگری اسپانیا خواهد بود. این جنبش با برگزاری تظاهرات و اعتصاب عظیم هشت میلیونی ماه دسامبر، صلابت خود را به معرض نمایش گذاشت.

همانگونه که در "اکثریت" شماره ۲۳۸ گزارش دادیم، در روز چهارشنبه ۱۴ دسامبر، اعتصاب عمومی سراسر اسپانیا را فراگرفت. این اعتصاب توسط دو سندیکای کارگری عمده این کشور، یعنی کمیسون کارگری، سندیکایی که تحت رهبری کمونیست‌هاست، و اتحادیه عمومی زحمتکشان، سندیکای سوسیالیستی تدارک دیده شده بود. آخرین اعتصاب عمومی مشترک این دو سندیکا پیش از اعتصاب اخیر، در سال ۱۹۳۴ پیش از به قدرت رسیدن فرانکو برگزار شده بود. در اعتصاب اخیر، اتحادیه‌ها با شعار "چرخش اجتماعی" به مصاف سیاست‌های ضدکارگری دولت گونزالس نخست‌وزیر سوسیالیست اسپانیا رفتند. جالب اینجاست که اتحادیه عمومی زحمتکشان برای نخستین بار علیه دولت سوسیالیست با کمیسون کارگری دست به اتحاد عمل زد.

اسپانیای پس از مرگ فرانکو

پس از مرگ فرانکو در سال ۱۹۷۵ و فروپاشی نظام فاشیستی حکومتی، تغییرات مهمی در حیات اجتماعی - سیاسی اسپانیا رخ داد. سلطنت مشروطه به نظام سیاسی کشور تبدیل شد. در این نظام اختیارات حکومتی در دست پارلمان و نخست‌وزیر متمرکز است. نخستین دولت اسپانیا به رهبری آدولفو سوارز رهبر "اتحاد دموکراتیک میانه" به تثبیت نهادهای دموکراسی بورژوازی پرداخت. حزب کمونیست اسپانیا در سال ۱۹۷۷ قانونی شد و در انتخابات ۱۹۷۸ به ۲۳ کرسی دست یافت. سوسیالیست‌ها در دوره حکومت سوارز تبلیغات خود را روی شعارهایی در دفاع از بهبود

وضع زحمتکشان و مبارزه با بیکاری متمرکز کردند. اما وقتی در سال ۱۹۸۲، سوسیالیست‌ها اکثریت مطلق را در انتخابات بدست آوردند و اقدام به تشکیل دولت کردند، از این وعده‌ها چیزی باقی نماند. از هنگام تشکیل دولت گونزالس تاکنون ۸۵۰ هزار نفر دیگر بر شمار بیکاران اسپانیا افزوده شده است. آمار رسمی بیکاری به ۲۵ درصد می‌رسد که بالاترین رقم در اروپاست. سیاست سوسیالیست‌ها در دوره حکومت گونزالس متوجه بازسازی نظام اقتصادی براساس گسترش و مدرنیزه کردن سرمایه‌داری، تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی، بازکردن بازار اسپانیا به روی محصولات شرکت‌های مشترک بوده است.

عواقب اقدام اقتصادی در بازار مشترک

سوسیالیست‌ها بزرگترین موفقیت دوره حکومت خود را عضویت اسپانیا در بازار مشترک در سال ۱۹۸۶ می‌دانند. اما واقعیت اینست که باز شدن درهای اسپانیا به روی بازار اروپای غربی، صنایع و کشاورزی این کشور را در برابر رقبای قوی‌تر، بیدفاع کرده است. مهمترین محصولات کشاورزی اسپانیا، از قبیل گوشت، روغن نباتی، پنیر، شراب، میوه و امثالهم با رقابت سخت محصولات فرانسوی، ایتالیایی، هلندی، دانمارکی و غیره روبرو هستند. چندی پیش اعلام شد که کمپانی آلمانی فولکس‌واگن، ۵۱ درصد سهام کارخانه اتومبیل‌سازی "سئات" اسپانیا را خریداری کرده است.

مجموعه این شرایط زندگی زحمتکشان را بسیار دشوار کرده است. امروز در اسپانیا ۸ میلیون نفر با درآمدی کمتر از ۱۴ هزار پستا در ماه زندگی می‌کنند. این درحالی‌است که حداقل قانونی حقوق، ۴۴ هزار پستا است که این خود پاسخگوی نیازهای اقتصادی زحمتکشان نیست.

انگیزه‌های مستقیم اعتصاب

در ماه نوامبر سال جاری، دولت اسپانیا طرح تازه‌ای در زمینه اشتغال جوانان تصویب

کرد. براساس این طرح، سرمایه‌داران می‌توانستند جوانان فاقد تجربه کار کمتر از ۲۵ سال را با دستمزدی در حدود نصف حداقل دستمزد رسمی (برای سنین کمتر از ۱۸ سال)، بدون قرارداد کار و در شرایطی که هزینه بیمه کار آنها توسط خود دولت پرداخت می‌شود، استخدام کنند. این طرح، اعلان جنگ به حقوق زحمتکشان بود که طی سال‌ها مبارزه به دست آمده است. در صورت اجرای این طرح، ارتش ذخیره ارزان قیمتی از نیروی کار برای سرمایه‌داران ایجاد می‌شود و این خود بر عواقب وخیم بیکاری می‌افزاید. تأثیرات دراز مدت طرح مزبور، تضعیف شدید اتحادیه‌های کارگری می‌بود. نمایندگان سرمایه‌داران اقدام دولت اسپانیا را "معقول" و "مثبت" ارزیابی کردند.

بلافاصله پس از اعلام طرح، موج اعتراض همه سازهان‌های جوانان، سراسر اسپانیا را فراگرفت. تنها سازمان جوانان سوسیالیست از این طرح حمایت کرد. "طرح اشتغال جوانان" تبدیل به عامل عمده‌ای در طرح مسئله اعتصاب عمومی شد. هرچند اهداف اعتصاب تنها به رد این طرح محدود نبود. تماس‌های دو اتحادیه عمده سندیکایی افزایش یافت و بررسی اقدام مشترک اعتراضی در دستور قرار گرفت. سرانجام مذاکرات به ثمر رسید و دعوت مشترک به اعتصاب عمومی اعلام شد. این دعوت بلافاصله از سوی سندیکاهای کوچکتر مورد حمایت قرار گرفت. اهداف اعتصاب علاوه بر رد "طرح اشتغال جوانان"، افزایش سطح درآمد شاقان و بازنشستگان براساس رشد سالانه قیمت‌ها و تغییر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت بود.

تلاش برای حقیق گذاشتن اعتصاب

واکنش حزب سوسیالیست و شخص گونزالس در مقابل اعلام اعتصاب، از همان ابتدا بسیار تند بود. فلیپه گونزالس در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت اتحادیه زحمتکشان، جانب سوسیالیست‌ها را رها کرده، و با "سرخ‌ها" متحد شده است. وی افزود حزب و دولت

سوسیالیست، از همه امکانات خود برای به شکست کشاندن اعتصاب استفاده خواهند کرد و خواهند کوشید اقتصاد کشور در روز اعتصاب به جریان طبیعی خود ادامه دهد. رهبری حزب سوسیالیست فشار تبلیغاتی و روانی زیادی را به منظور جدا کردن اتحادیه‌های کارگری سوسیالیست و کمونیست وارد آورد. اما تلاش گونزالس به ثمر نرسید. هر روز که گذشت، تشکیلات کارمندی و کارگری جدیدی از اعتصاب حمایت کردند. علاوه بر آنها، جوامع و محافل مترقی هنرمندان، نویسندگان، روشنفکران، سازمانها و انجمن‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، حتی انجمن بازیکنان حرفه‌ای فوتبال از اعتصاب عمومی حمایت کردند.

موفقیتی کامل

راس ساعت ۱۲ نیمه شب، در حالیکه گوینده اخبار تلویزیون، خبرها را می‌خواند، برنامه تلویزیون قطع و اعتصاب عظیم اسپانیا آغاز شد. صبح روز ۱۴ دسامبر، خیابانهای مادرید و سایر شهرهای مهم اسپانیا خلوت و همه جا تعطیل بود. آنجا که جمعیتی دیده می‌شد، کارگران و کارکنانی بودند که با حضور در مقابل محل کار خود می‌خواستند از باز شدن آن جلوگیری کنند. کارخانه‌ها، شرکتها، موسسات تولیدی، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما، تئاترها، رستورانها، اماکن تفریحی و حتی دادگاه‌ها تعطیل بود.

ابعاد اعتصاب، آنچنان گسترده بود که حتی سخن از انحلال مجلسین و انتخابات پیش رس بمیان آمد. بیش از ۹۵ درصد زحمتکشان در اعتصاب اسپانیا شرکت کردند. خسارات ناشی از اعتصاب حدود ۳/۷ میلیارد دلار تخمین زده شد.

جنبش کارگری اسپانیایی‌گمان به یکی از ارزشمندترین تجربیات و چشمگیرترین پیروزی‌های خویش در طول دهه‌ها سال مبارزه دست یافته است. بدون شک اسپانیا در آینده نیز میدان قدرت نهایی زحمتکشان متشکل و متحد خواهد بود.

آمریکادو هواپیمای لیبی را سرنگون کرد

در فاصله ۷۰ مایلی سواحل لیبی و بر فراز آبهای بین‌المللی، هواپیمای جنگی اف-۱۴ آمریکایی که از ناو هواپیمابر "جان اف کندی" برخاسته بودند، ظهر روز چهارشنبه چهارم ژانویه دو جنگنده میگ ۲۳ لیبی را سرنگون کردند. به اعتراف دولت آمریکا، این هواپیمای لیبی اقدامی در جهت حمله به هواپیمای آمریکایی نکرده بودند. تنها بهانه ارائه شده از سوی پنتاگون، وزارت دفاع آمریکا در توجیه این عمل راهزانه، این بوده است که هواپیمای لیبیایی، "رادار حمله" خود را روشن کرده بودند.

همانگونه که در شماره گذشته نشریه گزارش دادیم، بدنبال سقوط هواپیمای جموجت پان آمریکن در اسکاتلند، رسانه‌های غربی برخی اخبار مبتنی بر دخالت ادعایی لیبی در این ماجرا منتشر کردند. همچنین بطور همزمان با این واقعه، دولت آمریکا تبلیقاتی را در مورد حادثه یک کارخانه شیمیایی در لیبی به راه انداخت و

مدعی شد که در این کارخانه اسلحه شیمیایی تولید می‌شود. این زمینه‌سازی‌ها نشانگر آن است که ایالات متحده، به عمد و با نقشه قبلی دست به تحریک جدیدی در دریای مدیترانه زده است.

در تابستان سال ۱۹۸۱ نیز هواپیمای جنگی آمریکادو هواپیمای نظامی لیبی را بر فراز مدیترانه هدف قرار داده و سرنگون کردند. در سال ۱۹۸۶، حمله جانیکارانه هوایی ارتش آمریکا به طرابلس و بن قازی دو شهر اصلی لیبی صورت گرفت که طی آن ۲۱ غیرنظامی کشته شدند.

اقدام راهزانه جدید آمریکا، اعتراض جهانیان را برانگیخت. اتحاد شوروی این اقدام را مقایسه با کوشش‌های بین‌المللی برای تشنج‌زدایی و به‌ویژه حل بحران خاور نزدیک دانست و آن را محکوم کرد. در شورای امنیت سازمان ملل، به درخواست لیبی موضوع حمله آمریکا مورد بحث قرار گرفته است.

دستگیری چهار تن از رهبران حزب کمونیست شیلی

دسامبر ۱۹۸۸ منتشر شد، بهانه قرار داده، کمونیست‌های دستگیر شده را محاکمه کنند. شمار زیادی از طرفداران حزب کمونیست شیلی در جریان بازپرسی از چهار رهبر دستگیر شده حزب در ساختمان دادگستری، در برابر این ساختمان گردآمده و با فریادهای "زنده باد حزب کمونیست شیلی!" علیه رژیم پینوشه دست به تظاهرات زدند.

به گزارش روزنامه "اپوکا"، ۲۲ تن از کادرهای حزب کمونیست شیلی در معرض خطر محاکمه به جرم نقض اصل ۸ قانون اساسی پینوشه قرار دارند. طبق این اصل، هرگونه تبلیغ مارکسیستی جرم محسوب می‌شود.

چهار تن از رهبران حزب کمونیست شیلی به نامهای میریا بالتر، آمریکو زوریللا، (هر دو از وزرای کابینه آینده) گیلرمو شریپنگ و خوزه سان فوئنتس، در روز دوشنبه دوم ژانویه در سانتیاگو دستگیر شدند. اتهام آنها، فراخوان به سرنگونی رژیم پینوشه است. سان فوئنتس، که سخنگوی حزب کمونیست شیلی و دبیر کل "چپ متحد" است، اقدام به دستگیری خود و سه رفیق دیگرش را تلاش برای جلوگیری از شرکت کمونیست‌ها در حیات سیاسی شیلی دانست.

مقامات قضایی رژیم پینوشه، با استناد به "قانون امنیت داخلی" می‌خواهند فراخوان تدارک‌کنگره حزب کمونیست شیلی را که اوایل

سخنرانی کاسترو

در ساگر دانقلاب کوبا

سی‌امین سالگرد انقلاب کوبا، در جزیره آزادی با گردهمایی‌های باشکوهی جشن گرفته شد. در میتینگ اصلی بدین مناسبت که در شهر سانتیاگو کوبا برگزار شد، فیدل کاسترو رهبر این کشور به سخنرانی پرداخت. وی از جمله گفت: "در این لحظه سردرگمی، که انقلاب ما ارتجاع بین‌المللی و امپریالیسم را چنین به وحشت افکنده است، ما به مسئولیت بزرگی که در قبال خلقهای جهان داریم، واقفیم." کاسترو افزود و خلق کوبا همواره به اصول سوسیالیسم، مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری و فادار خواهد ماند، و گفت: "ما تاکید می‌کنیم: سوسیالیسم یا مرگ، مارکسیسم-لنینیسم یا مرگ!"

کاسترو در سخنان خود خاطرنشان کرد: "ما کار و مبارزه می‌کنیم تا انقلابمان را هر روز بهتر، موثرتر و کامل‌تر سازیم." رهبر کوبا افزود علیه هم خطاهای صورت گرفته و کاستی‌های موجود، با نیروی کنونی امکان‌پذیر خواهد بود که آنچه که تا به حال در دو یا سه سال ساختمان سوسیالیسم انجام شده است، در یک سال انجام گیرد.

کاسترو انقلاب ۱۹۵۹ را مهمترین رویداد تاریخ کوبا دانست. وی گفت این انقلاب، پیروزی مبارزه صدساله خلق کوبا علیه استعمار استعمار امپریالیستی و دیکتاتوری بود.

از میان دیگر رویدادها

هند و پاکستان قرارداد ایضاً کردند که در آن دو طرف متعهد به خودداری از حمله نظامی به تاسیسات اتمی یکدیگر شده‌اند. این قرارداد در جریان نخستین دیدار گاندی و بوتو نخست‌وزیران دو کشور در حاشیه کنفرانس سران کشورهای عضو جامعه دولتهای جنوب آسیا در اسلام‌آباد به امضا رسید.

بازسازی مناطق مسکونی ویران شده در ارمنستان آغاز شد. مقامات شوروی اعلام کرده‌اند که خانه‌های جدید در این منطقه بیش از سه طبقه نخواهد داشت.

وزیر خارجه ویتنام در مصاحبه‌ای گفت چشم‌انداز مساعدی برای حل مسئله کامبوج در سال ۱۹۸۹ وجود دارد. وی افزود در فاصله سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۷ در مجموع ۱۰۰ هزار نظامی داوطلب ویتنامی از کامبوج خارج شده‌اند. در سال ۱۹۸۸، ۵۰ هزار تن دیگر کامبوج را ترک کرده‌اند. ۵۰ هزار نفر باقی مانده، تا پایان سال ۱۹۹۰ به کشور خود باز خواهند گشت.

حزب کمونیست یونان و "حزب چپ یونان" که هر دو در پارلمان این کشور نماینده دارند، تصمیم به تشکیل جبهه متحدی گرفتند و اعلام کردند که برای تبدیل این جبهه به سنگ بنای اتحاد وسیع نیروهای چپ خواهند کوشید. نیروهای چپ در یونان درواکنش نسبت به رسوایی‌های مالی در دولت پاپاندرو خواهان استعفای نخست‌وزیر یونان شدند.

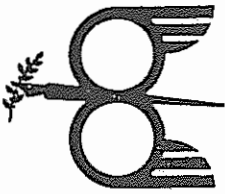
باز هم سرکوب خونین تظاهرات در مناطق اشغالی فلسطین



در ایام هید میلاد مسیح و حلول سال ۱۹۸۹ نیز مناطق اشغالی فلسطین که مسیحیان آن را زادگاه مسیح می‌دانند، شاهد تظاهرات گسترده مردم فلسطین و اقدامات سرکوبگرانه صهیونیست‌ها بود.

در روزهای تعطیلات سال نو، سه فلسطینی توسط سربازان صهیونیست به قتل رسیدند و ۱۹ تن مجروح شدند. در نزدیکی رام‌الله یک فلسطینی ۱۸ ساله و در نابلس یک جوان ۲۲ ساله به ضرب گلوله سربازان ارتش اسرائیل کشته شدند. یک نوجوان ۱۴ ساله که در ۶ دسامبر مجروح شده بود، در بیمارستانی در شرق بیت‌المقدس درگذشت.

در اول ژانویه، سالگرد تاسیس الفتح، مردم کرانه غربی رود اردن و نوار غزه تظاهراتی علیه اشغالگران برپا کردند. هکس، صحنه‌ای از عملیات بگیر و ببند صهیونیست‌ها در رام‌الله را نشان می‌دهد.

المؤتمن العالمی الشامن
لاتحاد کتاب آسیا و آفریقاHUITIEME
CONGRES
DES ECRIVAINS
AFRO-
ASIATIQUES
EIGHTH
CONFERENCE
OF
AFRO-ASIAN
WRITERS

اكتفا نمی‌کند و به صدور تروریسم
به کشورهای دیگر، بخصوص
کشورهای عربی و اسلامی،
می‌پردازد.

محکومیت رژیم خمینی در
تطهنامه پایانی کنفرانس
نویسندگان آفریقا و آسیا، بازتاب
خشم و انزجار وجدان‌های بیدار از
جنايات جمهوری اسلامی است.

محکوم کند.
سخنان فریدون تنکابنی،
نویسندگان آفریقایی و آسیایی و
نیز نویسندگانی را که به‌عنوان
میهن‌ان از برخی از کشورهای
اروپا در کنفرانس حضور داشتند،
به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داد و
هم‌دردی و همبستگی همیق آنان را
برانگیخت. تنکابنی در سخنان
خود، با افشای جنايات جمهوری
اسلامی، از نویسندگان و
هنرمندانی مانند سعید سلطانی‌پور،
عطا نوریان، ابوتراب باقرزاده و
رحمان هاتفی که توسط جمهوری
اسلامی تیرباران شده‌اند، به‌عنوان
گوشه‌ای از جنايات رژیم خمینی
 علیه فرهنگ و ادبیات میهن‌مان
نام برد. وی به موج اخیر کشتار
آزادخواهان ایرانی در زندان‌ها
پرداخت و افزود: "فاشیسم
درنده‌خویی که این بار با چهره
بنیادگرایی اسلامی به‌میدان آمده
است، تنها به تاخت و تاز در ایران

هشتمین کنفرانس نویسندگان آسیا و آفریقا کشتار زندانیان سیاسی ایران را محکوم کرد

رین العابدین بن علی رئیس
جمهور تونس و یاسر عرفات، رهبر
سازمان آزادیبخش فلسطین در
کاخ کنگره هاگشایش یافت.
از ایران، فریدون تنکابنی
نویسنده معاصر در کنفرانس تونس
شرکت داشت. وی در نخستین
روز کنفرانس به ایراد سخنرانی
پرداخت و در نطق خود، به‌وضع
زندانیان سیاسی، از جمله
نویسندگان و هنرمندان زندانی،
و به‌ویژه کشتارهای گسترده و
جمعی اخیر زندانیان سیاسی
ایران اشاره کرد و خواستار شد که
کنفرانس، رژیم جمهوری اسلامی
را به‌خاطر نقض حقوق بشر و کشتار
زندانیان سیاسی، و از جمله کشتن
نویسندگان و هنرمندان زندانی،

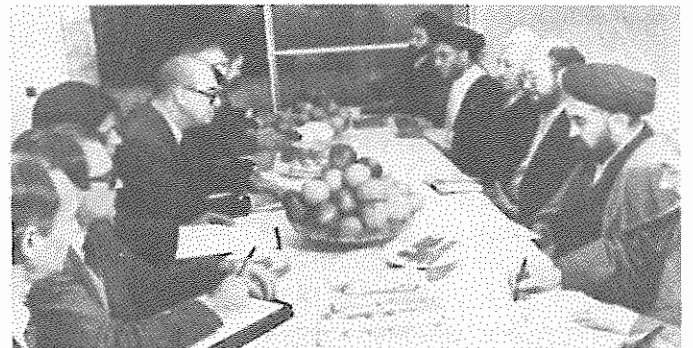
هشتمین کنفرانس نویسندگان
آفریقا و آسیا که از تاریخ هشتم تا
سیزدهم دسامبر در تونس برگزار
شد، در قطعنامه پایانی خود رژیم
جمهوری اسلامی را به‌دلیل نقض
حقوق بشر محکوم کرد.

موضوعات مورد بحث در این
کنفرانس که توسط مجمع
نویسندگان آفریقا و آسیا برگزار
شد، عبارت بود از: "زمان و
نویسنده"، "نقش نویسندگان در
مبارزه علیه سلاح‌های هسته‌ای"،
نقش مخرب قدرت‌های
امپریالیستی در کشورهای
آفریقایی و آسیایی، و نویسنده "و
"شکل‌های تبادل نظر و همکاری
میان نویسندگان آفریقا و آسیا".
کنفرانس با سخنان

مذاکرات معاون وزارت امور خارجه شوروی بانمایندگان اپوزیسیون افغانستان

مذاکره کرد. وی در هفته گذشته
در تهران نیز بانمایندگان ائتلاف ۸
گانه گروه‌های افغانی مورد
حمایت جمهوری اسلامی به گفتگو
پرداخت و سپس تهران را به مقصد
اسلام‌آباد (پاکستان) ترک کرد تا با
نمایندگان ائتلاف ۷ گانه مستقر در
پاکستان بار دیگر ملاقات کند.
خبرگزاری شوروی تاس در
تفسیری می‌نویسد نمایندگان
گروه‌های مورد حمایت رژیم
خمینی، خواهان برقراری یک
نظام "پلورالیستی" و
"دمکراتیک" در افغانستان شده‌اند.
بته در صفحه ۹

یولی وورونتسوف معاون وزیر
خارجه و سفیر اتحاد شوروی در
افغانستان، در هفته‌های اخیر
سفرهای متعددی به کشورهای
منطقه و نیز ایتالیا داشت تا
در مورد اوضاع افغانستان با
نمایندگان اپوزیسیون افغانستان
دیدار و گفتگو کند. پس از ملاقات
نخست وورونتسوف با نمایندگان
ائتلاف هفتگانه مستقر در پیشاور
(پاکستان) در شهر طائف عربستان
سعودی، که خبر آن در شماره‌های
قبل "اکثریت" درج شده،
وورونتسوف در ایتالیا با محمد
ظاهر، پادشاه سابق افغانستان،



میات شوروی اهزامی به تهران به سرپرستی یولی وورونتسوف در
مذاکره بانمایندگان گروه‌های افغانی مورد حمایت جمهوری اسلامی

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده
و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی
پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "کار"
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ "	۲۱ "		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اکثریت"
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ "	۵۲ "	☐ يك ساله	☐
۱۱۵ "	۱۰۲ "		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 240
MONDAY, 9 JAN, 89

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAQ
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!